

نظریه پردازی نقش صلح اعراب و اسرائیل بر امنیت و منافع

جمهوری اسلامی ایران

عبدالمجید فیروزی^۱، مسعود مطلبی*^۲، احسان رازانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۰، پاییز ۱۴۰۲

20.1001.1.1735501.1402.26.100.2.6

چکیده

این پژوهش کیفی با هدف ارائه الگوی نقش صلح اعراب و اسرائیل بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از نظریه داده بنیاد انجام شده است. ۱۲ مصاحبه با اساتید دانشگاه‌های تهران در گرایش‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی انجام شد. حاصل این مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از مضامین اولیه بود که طی فرایند کدگذاری باز، گردآوری و از درون آن‌ها مقوله‌هایی استخراج شد؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، پیوند میان این مقوله‌ها ذیل عناوین: شرایط علی، پدیده محوری، راهبردها، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدهای تأثیرگذار بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در قالب پارادایم کدگذاری محوری تعیین شد؛ در ادامه و در مرحله کدگذاری انتخابی نیز، سیر داستان ترسیم شد. نتایج نشان داد عوامل علی تأثیرگذار بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: نیازهای حکمرانی، نیازهای تقویت قدرت ملی، نیازهای امنیتی، نیازهای اطلاعاتی، نیازهای اعتقادی. راهبردهای مرتبط با موضوع مورد پژوهش شامل سه نوع اقدام در سطح ملی، اقدام‌های منطقه‌ای و اقدامات بین‌المللی را در بر می‌گیرد. ارتباطات نامناسب رسمی همسایگی، ویژگی‌های ساختاری حکومتی، تعاملات متقابل محدود، فقدان برنامه‌های راهبردی به‌عنوان عوامل مداخله‌کننده شناسایی شدند و ویژگی‌های منطقه غرب آسیا (جغرافیایی)، ویژگی‌های مذهبی، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران بودند. استقلال و خودمختاری در حوزه‌های امنیتی، بهبود روابط منطقه‌ای، اثربخشی اقدامات امنیتی، تسهیل و کنترل تصمیمات و فعالیت‌های دو یا چندجانبه، ایجاد مانع در تصمیمات و اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای، افزایش تعارضات در خاورمیانه (غرب آسیا) و بهبود تعهدات منطقه‌ای پیامدهای مثبت و منفی تأثیرگذار بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی:

صلح، اعراب، اسرائیل، امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

Firouzi.negar1999@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

masooud.motalebi@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

azani@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

۱-۱- مقدمه و موضوع

رژیم صهیونیستی از قدرت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود که در پی اشغال فلسطین توسط یهودیان و با همکاری قدرت‌های بزرگ به‌ویژه انگلیس به وجود آمده است. موجودیت این کشور به لحاظ سیاسی و اجتماعی از سوی اغلب کشورهای غرب آسیا فاقد مشروعیت است. انزوا، آسیب‌پذیری و خلأ مشروعیت منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله خطرات و چالش‌های عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید کرده‌اند. لذا یکی از اولین و مهم‌ترین اهداف اسرائیل در غرب آسیا، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در این منطقه بوده است.

تهدید وجودی بزرگ‌ترین مسئله برای هر کشوری بوده و باعث می‌شود تا آن کشور تمامی قوا و توانش را به‌منظور مقابله با آن به کار گیرد. روند صلح اعراب و اسرائیل تاریخچه طولانی دارد، از اوایل دهه ۱۹۸۰ با خروج مصر و اردن از جبهه ضد اسرائیلی می‌توان برای آن تاریخ‌نگاری کرد این تاریخ‌نگاری با مامشات و سکوت سایر اعضا در دوره‌های بعدی همراه بوده است. به‌صورت منطقی کشورهای عرب منطقه به دنبال رضایت افکار عمومی داخلی هستند و از آنجایی که بسیاری از تکنولوژی‌های نوین جهان در اختیار اسرائیل می‌باشد لذا در صدد رویارویی با این کشور قرار نمی‌گیرند و تلاش می‌کنند کم‌کم روابطشان را با اسرائیل بهبود بخشند این در حالی است که در اواخر سال ۲۰۲۰ میلادی دولت امارات متحده عربی اعلام نمود که روابطش را با اسرائیل بهبود می‌بخشد این توافق ابتدا در تاریخ ۱۳ اوت ۲۰۲۰ و طی بیانیه مشترک ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و امارات متحده عربی اعلام شد؛ و از جبهه ضد اسرائیلی خارج و با این کشور روابط دیپلماتیک و اقتصادی در سطح گسترده دنبال می‌کند با امضای این توافق، امارات متحده عربی تبدیل به سومین کشور عربی بعد از مصر در ۱۹۷۹ و اردن در ۱۹۹۴ شد که رسماً روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی می‌کرد؛ (فدریکو، ۲۰۲۰) وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این توافق آن را «اشتباه راهبری و اقدامی خطرناک» توصیف کرده و هشدار داده که در صورت دخالت اسرائیل در معادلات منطقه، امارات متحده عربی و دولت‌های همراه آن باید مسئولیت این اقدام را بپذیرند؛ اما آنچه مهم می‌نماید روند صلح خاورمیانه از سوی غرب و اسرائیل می‌ماند و این صلح چگونه می‌تواند امنیت جمهوری اسلامی ایران را تهدید نماید؟



۲-۱- ضرورت موضوع

با توجه به این که تاریخچه صلح اعراب و اسرائیل از سال ۱۹۴۷ به بعد شامل ده ها کنفرانس، پیمان، مذاکره، پروتکل و معاهده برای برقراری صلح پایدار در روند صلح اعراب و اسرائیل است ولی سرانجام به یک صلح پایدار و دائمی به خاطر سلطه طلبی و زیاده خواهی اسرائیل محقق نگردیده و برخی از پژوهشگران در این خصوص از زاویه مختلفی دلایل اصلی عدم تحقق اهداف صلح پایدار را بعدهای فرهنگی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژی، مذهبی و هنری توصیف و تحلیل نمودند؛ با توجه به طرح نوین صلح اعراب و اسرائیل در سال ۲۰۲۰ و با شناخت از تغییر روند سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و غرب با اعراب و فلسطین با نگاه دو دولت و دو ملت جدا و عقب نشینی از مواضعی همچون: اسرائیل بزرگ و وعده های توراتی و به علت ایجاد شکاف های عمیق احزاب داخلی اسرائیل و مقاومت گروه های اسلام گرایانه منطقه ای، ناچار به تغییر سیاست خارجی در عملکرد خود نسبت به اعراب و خاورمیانه شده اند. در شکل گیری روابط دوستانه و خروج از جبهه ضد اسرائیلی پس از مصر و اردن کشور امارات متحده عربی و به سرعت کشور ذره های بحرین و ادامه کشورهای عضو شورای همکاری های خلیج فارس مانند عربستان سعودی و کویت در استیصال و درماندگی و سردرگمی در برقراری روابط دوستانه با اسرائیلی هستند، با توجه به این منازعه پیچیده و طولانی که حال امکان دسترسی به صلح پایدار محیای گردیده، با بررسی این طرح نوین نیازمند تفحص و پژوهش این موضوع دانسته و سعی در تلاش برای پرده گشایی از زوایای جدیدی از این مسئله بنیادی دارم.

۳-۱- اهمیت موضوع

اهمیت و کارکردهای بررسی این موضوع از لحاظ نظری شامل شناخت روند صلح خاورمیانه از سوی اسرائیل و متحدان غربی آن ها و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، شناسایی مهم ترین دلایل تهدید جلوه دادن ایران برای کشورهای عربی، آشنایی با سیاست جدید دولت بایدن بر مسئله صلح خاورمیانه و آگاهی از مهم ترین تغییرات سیاست خارجی اسرائیل در خصوص کشورهای عربی منطقه است. اهمیت و فواید بررسی این موضوع از لحاظ عملی نیز شامل تأثیرات آن بر روابط بین المللی و سیاست خارجی ایران در مسئله ی روند صلح و مقابله با سیاست های نادرست اسرائیل است. از این تحقیق دانشجویان رشته علوم سیاسی، روابط بین الملل، سایر محققین عرصه سیاست خارجی و نیز معاونت راهبردی و استراتژیک وزارت خارجه شامل دانشجویان مطالعات منطقه ی آسیا و خاورمیانه و آفریقا و دانشجویان



مطالعات اروپا، آسیای شرق و غرب و برخی اندیشکده‌های مرکز مطالعات صلح منطقه‌ای و جهانی می‌توانند استفاده مطلوب را به عمل آورند چراکه مساله اسرائیل و فلسطین یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین منازعات تاریخ روابط بین‌الملل بوده است.

۱-۴- مساله اصلی

اسرائیل برای عملی کردن برنامه‌های خود علیه ایران ابتدا در تلاش است تا ایران و فعالیت‌های هسته‌ای آن را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین برای امنیت و بقای خود جلوه دهد. به عبارت بهتر مسئله القای ترس و هراس از ایران در سطوح بین‌المللی به‌عنوان پیش‌نیاز زمینه‌ای جهت عملیاتی نمودن اهداف بعدی اسرائیل به شمار می‌رود. در ادامه سناریوهایی نظیر بحث کنترل، مدیریت و ادغام توان ایران، اعمال تحریم‌های اقتصادی، محاصره دریایی ایران، حمله نظامی، بحث تغییر رژیم در ایران و پذیرش زندگی با یک ایران هسته‌ای را معرفی نمود. در حقیقت ایران تنها کشوری است که در خاورمیانه به‌صورت رسمی تلاش دارد با اسرائیل مقابله نماید هرچند بسیاری از کشورهای عربی روابطشان را با اسرائیل عادی‌سازی نکرده‌اند ولی تهدیدی برای امنیت اسرائیل ایجاد نمی‌کنند و اسرائیل نیز با سیاست‌های نوین خود تلاش کرده تا تهدیدی علیه سایر کشورها منطقه نباشد و تنها با گروه‌های موردحمایت ایران در حال مبارزه می‌باشد روند صلح خاورمیانه این فرصت را به اسرائیل می‌دهد تا بتواند از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه بکاهد و سایر کشورها را با خود در تهدید جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران همراه سازد. ما در این مقاله تلاش داریم با استفاده از نظریه داده بنیاد عوامل علی، مداخله‌ای، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای ناشی از نقش صلح اعراب با اسرائیل و تأثیراتی که می‌تواند بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران بگذاری بررسی کنیم.

جدید اقلیم کردستان عراق خواستار عادی‌سازی روابط با اسرائیل شدند که بیش از ۳۰۰ عراقی از جمله برخی از روسای قبایل در این کنفرانس که در اقلیم کردستان عراق با حمایت یک سازمان آمریکایی برگزار شد خواهان عادی‌سازی روابط با اسرائیل شدند. این نشست از سوی اندیشکده مرکز ارتباطات صلح که در نیویورک مستقر است که در خصوص عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی فعالیت می‌کند، برگزار شد. منطقه‌ی خودمختار اقلیم کردستان رابطه‌ی خوبی با اسرائیل دارد؛ که از شش استان عراق خواستار هماهنگی و ادغام در توافقنامه‌های ابراهیم شدند تا روابط دیپلماتیک با اسرائیل و خواهان عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند. کشور عراق به‌هیچ‌عنوان خواهان این موضوع نبوده و این نشست را غیرقانونی اعلام کرده است.



۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری (چارچوب نظری، مبانی نظری، نظریه‌ها و استراتژی اتحاد و ائتلاف پیرامونی اسرائیل)

از سال ۲۰۱۱ تاکنون، اسرائیل مراحل سه‌گانه‌ای را در روابط با کشورهای عربی پشت سر گذاشت. وقوع قیام‌های عربی و سقوط برخی دیکتاتورها و لرزان شدن پایه‌های قدرت برخی دیگر از حکام عرب، سبب شد که حتی برخی از مقام‌های سیاسی و نظامی اسرائیلی نیز اذعان کنند که تل‌آویو بدترین دوران خود را می‌گذراند زیرا انزوای آن در خاورمیانه با قیام‌های عربی تشدید شده است. وقوع بحران در سوریه که با مدیریت غرب به رهبری آمریکا و برخی از کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی رخ داد، مرحله دیگری از سیاست خارجی اسرائیل را رقم زد. در این مرحله، از نگرانی‌های اسرائیل در خصوص پیامدهای قیام‌های عربی کاسته شد.

اشغال عراق توسط تروریست‌های داعش و همچنین به قدرت رسیدن «ملک سلمان» و پسرش، «محمد»، در عربستان و به قدرت رسیدن «دونالد ترامپ» در آمریکا نیز بیش از همه به نفع رژیم صهیونیستی بود. این وضعیت سبب شکل‌گیری مرحله جدیدی در سیاست خارجی اسرائیل شد که عادی‌سازی و تقویت روابط با برخی از کشورهای عربی بود. در واقع، ماهیت آشوب و ناامنی در جهان عرب بعد از وقوع قیام‌های مردمی سبب شد که اسرائیل اهدافی نظیر توسعه سرزمینی و به حاشیه راندن موضوع فلسطین و همچنین رویکردهای ضد ایرانی خود را با آسودگی خاطر بیشتری پیگیری کند. این در حالی است که اسرائیل در گسترش ناامنی، خشونت و هرج‌ومرج در منطقه خاورمیانه نقش نخست را ایفا می‌کند. (عمادی، ۱۳۹۷: ۱).

برنامه هسته‌ای و همچنین الگوی رفتاری هسته‌ای اسرائیل یکی از علل اساسی ناامنی و خشونت در خاورمیانه است. الگوی رفتاری هسته‌ای اسرائیل در سه بعد قابل بررسی است. اسرائیل دست‌کم ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد، اجازه بازدید از مراکز اتمی‌اش از جمله سایت هسته‌ای دیمونا را نمی‌دهد و همچنین به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیز نپیوسته است. نکته مهم این است که حتی یکی از مهم‌ترین دلایل مدیریت اعتراض‌های مردمی در جهان عرب توسط آمریکا و کشاندن آن به جنگ‌های تروریستی نیز تأمین منافع اسرائیل بود. واقعیت این است که امنیت و منافع اسرائیل با گسترش خشونت، ناامنی و هرج‌ومرج در درون کشورهای اسلامی و همچنین با اختلاف میان کشورهای اسلامی و به عبارتی با «جنگ درون تمدنی» در جهان اسلام تأمین می‌شود.



برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از جمله عربستان، امارات و بحرین پیشتر روابط پنهانی با رژیم صهیونیستی داشتند اما طی ماه‌های اخیر این روابط علنی‌تر شده و این کشورها در تلاش برای برقراری کامل روابط رسمی و دیپلماتیک با تل‌آویو هستند. مهم‌ترین ارتباط میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی مربوط به سفر بنیامین نتانیاو نخست‌وزیر این رژیم به عمان و دیدار با پادشاه این کشور در اوایل آبان ماه ۱۳۹۷ می‌باشد. اخبار منتشرشده توسط رسانه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر کشورهای عرب منطقه ارتباطات پشت پرده و پنهانی خود را با رژیم صهیونیستی برای برقراری ارتباط آغاز کرده‌اند و با چشم‌پوشی از آرمان‌های فلسطین و اسلام، فقط به دنبال فرصت مناسب برای اعلام علنی آن می‌گردند.

رژیم اشغالگر قدس و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در حالی به دنبال عادی‌سازی روابط هستند که این رژیم علاوه بر اشغال فلسطین و کشتار فلسطینیان، هنوز بلندی‌های جولان سوریه و بخش‌هایی از جنوب لبنان را در اشغال خود دارد. تحلیلگران منطقه‌ای معتقدند، یکی از دلایل همگرایی عربستان و امارات با رژیم صهیونیستی در زمان کنونی، پیدا کردن راه گریز از شکست در جنگ یمن می‌باشد، جنگی که با شهوت قدرت سران عربستان و امارات در ششم فروردین ۱۳۹۴ آغاز شده و جز کشتار غیرنظامیان بی‌گناه یمنی و خسارت‌های هنگفت به زیرساخت‌های این کشور دستاوردی نداشته است.

بازدید گسترده مقامات ارشد اسرائیل به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان از عجله کشورهای خلیج فارس برای "دوستی" با اسرائیل دارد. خلیل شاهین، یک تحلیلگر سیاسی فلسطین، به آژانس آن‌دولو گفت: "پیوند راه‌آهن صلح بین اسرائیل، اردن، عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس نشان از عادی‌سازی اقتصادی به هزینه فلسطینی‌ها و حقوق آن‌ها است." وی گفت: "این نشان می‌دهد که اعراب دیگر اشغال اسرائیل از فلسطین و اقدامات اسرائیلی را تهدید اصلی در منطقه عربی و خاورمیانه نمی‌دانند، اما رادیکال‌سازی، افراط‌گرایی و ایران را تهدید می‌دانند." به گفته دفتر نتانیاو، ماه گذشته، بنیامین نتانیاو نخست‌وزیر اسرائیل با دعوت از حاکم حاشیه خلیج فارس به عمان سفر غافلگیرانه‌ای انجام داد. (Barghouti, 2018: 3).

از طرف دیگر، محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با گروهی از مسیحیان انجیلی آمریکا در ریاض دیدار کرد، در اقدامی که تحلیلگران به‌عنوان تلاش برای پاک کردن نام وی در پی قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار سعودی در کنسولگری عربستان سعودی دیدند. عبدالستار قاسم، تحلیلگر سیاسی فلسطین گفت: "بدون تردید، اسرائیل به‌سختی تلاش کرده است تا بن سلمان را به شهرت برساند و بنابراین ولیعهد و عربستان سعودی باید با تسریع در روند



عادی‌سازی با اسرائیل، هزینه این کار را بپردازند". قاسم افزود: "وی در داخل و خارج از عربستان سعودی ضعیف است و گزینه‌های وی به‌طور فزاینده‌ای کم شده است". "بن سلمان معتقد است که تنها راه‌حل بحران‌های عادی کردن روابط با اسرائیل است، حتی اگر این به ضرر فلسطینی‌ها باشد". این تحلیلگر فلسطینی استدلال می‌کند که بن سلمان به دلیل نقش وی در لابی کردن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به نفع خود در مورد قتل خاشقچی به نتانیاهو مدیون است. (Barghouti, 2018: 4). عربستان سعودی پس از هفته‌ها انکار درگیری، اعتراف کرد که خاشقچی در کنسولگری کشته شده است اما ادعا کرده که خانواده سلطنتی سعودی هیچ اطلاعی قبلی درباره نقشه‌ای برای قتل او ندارند.

در موضوع تطبیع و عادی‌سازی روابط با اسرائیل باید گفت که در شرایط کنونی که برخی دولت‌های عربی و... در منطقه با نادیده گرفتن جنایت‌های صهیونیست‌ها علیه مسلمانان و حتی علیه اعراب و جنگ‌های تاریخی اعراب با اسرائیل، تلاش می‌کنند تا با گرفتن امتیازات و انعقاد برخی توافقات اقتصادی و فناوری، ارتباط با رژیم صهیونیستی را عادی نماید. روسای جمهور آمریکا نیز برای آنکه حمایت‌های لابی یهود و صهیونیسم در آمریکا را داشته باشند، باید حمایت خود از دولت اسرائیل را نشان دهند و تعهد به حمایت از امنیت و رفاه صهیونیست‌ها را تصریح کنند؛ لذا بایدن نیز تلاش می‌کند با حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از صهیونیست‌ها برای کمک در حل برخی چالش‌های داخلی و منطقه‌ای آنان، بتواند همچنان حمایت صهیونیست‌ها از خویش را حفظ نماید. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی برای تسریع در روند عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی، نیازمند به حمایت صریح و علنی و رسمی آمریکا است که این سفر و حضور بایدن در سرزمین‌های اشغالی و دیدار با مقامات رژیم، این هدف را تأمین می‌نماید (صادقی، ۱۴۰۱: ۹).

رویکرد سایر کشورهای عربی نسبت به اتحاد و ائتلاف پیرامونی

وزیر امور خارجه سوریه با هشدار به کشورهای عربی درباره دادن امتیاز به رژیم صهیونیستی به زیان حقوق ملت فلسطین، مخالفت کشورش را با برداشتن گام‌های کشورهای عربی برای عادی‌سازی روابط با این رژیم در برابر توقف یا تعلیق شهرک‌سازی مورد تأکید قرارداد. حمودا یوسف صباغ، رئیس شورای خلق سوریه، در بیست و سومین کنفرانس اتحادیه بین پارلمانی عرب در امان، اردن، در ۳ مارس ۲۰۱۹ شرکت می‌کند؛ و هرگونه عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل را رد کرد. (press tv, 2019).

نبیح بری، رئیس پارلمان لبنان، نایب بری، رئیس شورای خلق سوریه، حمودا یوسف صباغ و نماینده فلسطین، در عوض از تصمیم رد هر نوع عادی‌سازی روابط با اسرائیل حمایت



کردند "یکی از مهم‌ترین اقدامات برای حمایت از برادران فلسطینی، مستلزم متوقف کردن همه انواع نزدیکی و عادی‌سازی با اشغالگران اسرائیلی است؛ بنابراین، ما می‌خواهیم با مسدود کردن تمام درهای عادی‌سازی با اسرائیل، مقاومت و استوار داشته باشیم". (press tv, 2019).

از آنجایی که اسرائیل در خاورمیانه با هیچ‌یک از کشورهای عربی به جزء اردن و مصر روابطی ندارد و روابط اسرائیل با اردن و مصر نیز روابط چندان نزدیک و گرمی نیست. از این رو اسرائیل طی سال‌های اخیر تلاش می‌کند تا با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس همانند بحرین و امارات که روابط خوبی با ایران ندارند، رابطه برقرار کند. اسرائیل معتقد است ارتباط با این کشور می‌تواند یک ائتلاف در خاورمیانه در مقابل ایران ایجاد کند. از سوی دیگر ایران با کشورهای به‌طور مثال عربستان و امارات روابط خوبی ندارند. به همین دلیل اسرائیل تلاش خود را انجام می‌دهد و اظهارنظر در خصوص اینکه آیا اسرائیل در این زمینه به موفقیت دست پیدا می‌کند، سخت است. این راه جدیدی است که طی چند سال اخیر آغاز شده و تا حدودی درک مشترکی بین اسرائیل و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس به وجود آمده است و وزیر امور خارجه اسرائیل به امارات سفر کرد که تعاملات بسیاری نه‌تنها بین این دو کشور بلکه سایر کشورهای حوزه خلیج وجود دارد. همچنین اسرائیل به‌اندازه کافی در زمینه سیاسی با عربستان سعودی تعاملات خوبی دارد که در سال ۲۰۰۲ با عنوان طرح صلح اتحادیه عرب ارائه شد.

از این رو اسرائیل معتقد است که تشکیل این ائتلاف ممکن است به تأمین امنیت خاورمیانه کمک کند، البته این موضوع روشن است که کشورهایی که اسرائیل برای این توافق برای عدم حمله در نظر گرفته شده‌اند، کشورهای قدرتمندی نیستند، اما برای اسرائیل حمایت‌های سیاسی مهم است و نه حمایت‌های نظامی، به این دلیل که اسرائیل نیروی نظامی این کشور را به‌اندازه کافی قدرتمند می‌داند و برای اسرائیل دید سیاسی این کشورها اهمیت دارد. اگر تشکیل این ائتلاف با موفقیت صورت بگیرد، می‌توان گفت اسرائیل به آنچه می‌خواسته، برای مقابله با ایران در خاورمیانه دست‌یافته است.

سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به سلطان نشین عمان در چارچوب سیاست‌های این رژیم برای خارج کردن فلسطین از اولویت کشورهای عربی انجام شد. این دیدار در حالی انجام شد که هم‌زمان ارتش رژیم صهیونیستی شش فلسطینی را در تظاهرات مسالمت‌آمیز نوار غزه، موسوم به «بازگشت» به شهادت رساند. رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا از طریق دیدار و گفت‌وگو با کشورهای عربی، از آنان 'حساسیت‌زدایی' کرده تا ضمن خارج کردن قضیه فلسطین از صدر مسائل جهان عرب، این بحران هفتادساله را صرفاً



به‌عنوان نزاعی میان فلسطینیان و اسرائیل نشان دهد. این سفرها و گفت‌وگوها ابزاری بود تا صهیونیست‌ها با سرپوش گذاشتن بر جنایات جنگی علیه ملت فلسطین، خود را به‌عنوان یک 'کشور عادی' در خاورمیانه نشان دهند. علاوه بر عمان، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی یکشنبه ۳۰ دی ۹۷ سفر خود به چاد را در راستای عادی‌سازی بیشتر با اعراب انجام داد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸)؛ بنابراین اسرائیل علاوه بر جلب حمایت قدرت‌های غربی به دنبال برقراری روابط نزدیک‌تری با کشورهای عربی منطقه است.

بحرین بیش از هر کشور عربی در جهت عادی‌سازی روابط با اسرائیل تکاپو داشت که میزبانی از نشست‌هایی با حضور مقامات صهیونیستی یا سازگار با منافع این رژیم از جمله اقدام‌های انجام‌شده در این زمینه است. بحرین آوریل ۲۰۱۹ در قالب کنفرانس کارآفرینی، ژوئن ۲۰۱۹ در قالب نشست اقتصادی برای معامله قرن و اکتبر ۲۰۱۹ نیز در قالب کنفرانسی با محوریت امنیت دریانوردی یا میزبان هیئت‌های اسرائیلی بود یا در جهت عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی گام برداشت. با این حال، می‌توان گفت روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۹ پیشرفتی نداشته و به‌نوعی معلق مانده است.

۱- اولین دلیل در این خصوص این است که افکار عمومی در کشورهای عربی به‌طور جدی با این روند مخالفت کردند. این مخالفت به حدی بود که سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه سعودی مجبور شد پرونده فلسطین را از محمد بن سلمان بگیرد و به نوعی از سرعت عادی‌سازی روابط با اسرائیل کم کند. در کشورهای مختلف عربی تظاهرات در مخالفت با روند عادی‌سازی روابط این کشورها با اسرائیل برگزار شد. این اعتراض‌ها سبب هراس حکام کشورهای نظیر عربستان و بحرین برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل شد.

۲- دومین دلیل در این خصوص، بحران سیاسی بی‌سابقه در سرزمین‌های اشغالی بود. رژیم صهیونیستی در سراسر سال ۲۰۱۹ درگیری تشکیل کابینه بود، اما در نهایت نیز این سال را با تصمیم برای برگزاری انتخابات سوم پارلمانی به پایان رساند. این بحران سبب شد که تردیدها درباره عادی‌سازی روابط با اسرائیل در کشورهای عربی افزایش یابد.

۳- سومین دلیل نیز مربوط به دولت آمریکا بود. از یک‌سو، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا به‌خصوص در سال‌های گذشته بارها حکام عرب به‌خصوص حکام عربستان را تحقیر کرد و حتی در مقابل انفجارهای الفجیره و حمله به تأسیسات آرامکو نیز دفاعی از عربستان و امارات انجام نداد.

۴- از سوی دیگر، وضعیت ترامپ در داخل آمریکا نیز پس از طرح موضوع استیضاح، شکننده شد. این وضعیت سبب شد حکام عربی به این جمع‌بندی برسند که عادی‌سازی روابط با



اسرائیل تضمین نمی‌کند که آمریکا نگاه احترام‌آمیزی به این کشورها داشته باشد و یا اینکه در مواقع ضروری از آن‌ها دفاع کند. (عمادی، ۱۳۹۸: ۲-۳).

حاشیه خلیج فارس در حالی که در محلات هدف سیاست ایران هراسی غرب قرار گرفته‌اند، حتی از موجودیت نظامی رژیم صهیونیستی در کشورهای خود به‌ویژه در بحرین و موجودیت مستشاری و آموزشی در امارات و عربستان سعودی و قطر نیز حمایت می‌کنند. این روند در حالی دنبال می‌شود که کاتس در اظهارات اخیر خود ائتلاف اسرائیل با رژیم‌های حاشیه خلیج فارس را پایان دادن به موضوع فلسطین بر اساس تدابیر عملیاتی معرفی می‌کند. در طرف مقابل نیز یک شخصیت رسانه‌ای رژیم آل سعود در گفتگو با روسیا الیوم مدعی است که اسرائیل یک دولت دموکراتیک است و هیچ آسیبی به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نداشته است، لذا باید تمامیت ارضی اسرائیل بر فلسطین را به رسمیت شناخت و فلسطینی‌های مخالف نیز باید به میهن جایگزین در اردن بروند و تابعیت آنجا را بگیرند. (ابراهیم، ۱۳۹۸: ۴).

عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی اهداف پشت پرده و مخفی نیز دنبال می‌کند. منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و دلارهای نفتی این کشورها یکی دیگر از اهداف اسرائیلی‌ها و محافظه‌کاران آمریکایی به شمار می‌رود. سرویس‌های امنیتی رژیم صهیونیستی معتقدند که اگر این ابزارها در مسیر مقابله با اهداف آمریکا و اسرائیل در منطقه به کار گرفته شود، می‌تواند برای آن‌ها مشکل‌ساز باشد، لذا تخریب این توانمندی تنها از طریق ایجاد تنش و چالش بین کشورهای مذکور و خریدهای گسترده تسلیحاتی آن‌ها امکان‌پذیر است و به این ترتیب امکان فرسایش ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس فراهم می‌شود. (ابراهیم، ۱۳۹۸: ۶).

رژیم صهیونیستی سیاست کنونی خود را مبتنی بر انتقال عرصه درگیری‌ها به سرزمین دشمن می‌داند. از دیدگاه اسرائیل تمام منطقه عربی و حاشیه خلیج فارس و ایران و ترکیه و ملت‌های منطقه دشمن اسرائیل به شمار می‌روند. رژیم صهیونیستی همچنین تلاش دارد که کشورهای عربی را از تمامی وزنه‌های استراتژیک خود تخلیه کند و آن‌ها را به بازیچه‌های طرف‌های مختلف تبدیل کند. چندین درس وجود دارد که عمان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس باید قبل از هرگونه نزدیک‌تر شدن به عادی‌سازی با اسرائیل در ذهن داشته باشند:

در مرحله اول، رهبران عرب باید با سفرهای خود به کشورهایشان به درک آنچه نتایج و وزیرانش می‌خواهند دست یابند، بپردازند. اسرائیل می‌خواهد که دولت این کشور در سراسر جهان به رسمیت شناخته شود و دیدارهای مقامات اسرائیلی با کشورهای عربی به‌طور



گسترده به این تلاش‌ها کمک کند. از زمان کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱، اسرائیل توانست به آرامی شبکه بین‌المللی خود را گسترش داده و در بین کشورهای آسیا، آفریقا و جاهای دیگر به رسمیت شناخته شود، بر این اساس که قبلاً فلسطینی‌ها را درگیر پروسه صلح کرده است. با تظاهر به اشتیاق به صلح و عادی‌سازی، چندین کشور مهم از جمله هند و واتیکان را شناخت، گرچه روند صلح هنوز متولد نشده بود. از آن زمان تاکنون سه جنگ علیه غزه انجام شده است.

ثانیاً، نتانیاهو به‌عنوان رهبر پوپولیستی کاملاً از این واقعیت آگاه است که در عصر رسانه‌های اجتماعی، افکار عمومی جهانی به‌سرعت در حال تغییر علیه اسرائیل است. نهضت Boycott، Divestment، Sanctions (BDS) در ایالات متحده موفقیت نسبی داشت و عمدتاً در نبرد افکار عمومی در اروپا پیروز شد و وی احساس تهدید کرد. در این شرایط، عادی‌سازی با کشورهای عربی قدرت بسیار لازم را به نخست‌وزیر اسرائیل می‌دهد و به وی اجازه می‌دهد تا تلاش‌های دیپلماتیک خود را باهدف تأیید اجازه‌نخبگان پیش ببرد. رابطه دولت او با اکثر کشورهای عربی به‌احتمال زیاد در چارچوب رقابت بر سر افکار عمومی ایجاد می‌شود. این بدان معناست که اگر عمان و دیگران به روابط نزدیکی خود با اسرائیل ادامه دهند، نتانیاهو مطمئن خواهد شد که جهان در حال تماشای آن است. (Barakat, 2018: 11)

عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

پیوند عربستان و اسرائیل در صورتی که از وضعیت کنونی، فراتر رفته و به مرحله استراتژیک برسد، تأثیرات بسیاری را بر چشم‌انداز تحولات خاورمیانه اعم از جغرافیای سیاسی، جبهه‌بندی‌ها، روابط و مواضع دولت‌ها خواهد گذاشت و یک الگوی رفتاری جدید را در منطقه پایه‌ریزی خواهد کرد. این امر منجر به اتحاد منطقه‌ای علیه ایران خواهد شد که در آن به‌جای آمریکا که حداقل نقش را در آن ایفا می‌کند، اسرائیل و عربستان طلایه‌دار آن خواهند بود. بدون تردید این مسئله یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های تاریخی اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران را رقم خواهد زد. این در حالی است که جایگاه توافق هسته‌ای ایران برای عربستان به‌ویژه در صورت عادی‌سازی روابط و تنش‌زدایی با این کشور، با نوع نگاهی که اسرائیل به توافق ایران با کشورهای بزرگ دارد، هم‌وزن نبوده و با میزان تهدید آن برای اسرائیل هیچ‌گونه برابری نخواهد داشت. از این رو آنچه عربستان را به‌سوی پیوند با اسرائیل سوق می‌دهد، توافق هسته‌ای نیست بلکه تلاش عربستان برای مهار و رقابت با ایران در منطقه به‌ویژه در شرایط کنونی تنش، جنگ روانی و دغدغه این کشور نسبت به قدرت‌گیری ایران پس از توافق در شرایط خصومت فیما بین



است که با رفع تنش‌های سیاسی با تهران، به صورت قابل ملاحظه‌ای تغییر مسیر پیدا خواهد کرد. در مقابل برای اسرائیل، ایران قدرتمند در منطقه و مورد اعتماد جامعه بین‌الملل یک تهدید وجودی و قابل ملاحظه به حساب آمده و به همان میزان ایران با سلاح هسته‌ای، منافع این رژیم را در معرض تهدید قرار داده است.

رفتار سیاسی نخبگان و احزاب اسرائیلی که خواستار استعفای بنیامین نتانیاهو پس از توافق هسته‌ای ایران شدند، گواه نگرانی ساختار سیاسی اسرائیل از پیامدهای توافق هسته‌ای برای این رژیم است. با وجود این در شرایطی که اسرائیل بتواند به بهانه قدرت منطقه‌ای ایران با عربستان وارد رابطه استراتژیک شود، ورق به صورت جبران‌ناپذیری به نفع این رژیم باز خواهد گشت؛ بنابراین ایران با وجود دشواری‌های موجود، ناگزیر است به هر طریق ممکن از نزدیکی و روابط دوستانه ریاض و تل‌آویو ممانعت به عمل آورد. (احمدی، ۱۳۹۴: ۱)

نمایندگان عربستان سعودی، امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) و مصر در نشست کشورهای عربی گفته‌اند که مخالف پیشنهادات محکوم به عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل هستند. گزارش‌ها حاکی از آن است که اسرائیل و چندین کشور عربی سال‌ها با آن‌ها تماس پنهانی داشته‌اند و دو طرف تلاش خود را برای ایجاد روابط مخفیانه خود ادامه داده‌اند. کنفرانس ورشو - یک گردهمایی تحت حمایت ایالات متحده که از ۱۳ تا ۱۴ فوریه در پایتخت لهستان برگزار شد - نتانیاهو و نمایندگان شماری از کشورهای عربی از جمله عمان، مراکش، عربستان سعودی، امارات، بحرین، اردن و مصر، گرد هم آمدند. اردن و مصر تنها دو کشور عربی هستند که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارند. (press tv, 2019)

خلیفه حفره ژنرال گروه مخالف دولت لیبی امیدوار است در صورت حل مسئله فلسطین روابط عادی با اسرائیل برقرار کند. مخالفان لیبی با حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس با نیروهای دولتی لیبی می‌جنگند. بارها محققان بین‌المللی سلاح‌هایی با نشان کشور امارات در اردوگاه حفره کشف کرده‌اند. پروژه عادی‌سازی رابطه با اسرائیل طرحی آمریکایی صهیونیستی است که از کشورهای حاشیه خلیج فارس مثل بحرین و امارات شروع شده است. معاهده صلحی که بین امارات و اسرائیل در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ منعقد شد، یک تغییر استراتژیک در مسیر روابط اعراب و اسرائیل بود. پیامدهای استراتژیک این توافق فراتر از مسیر روابط دو جانبه بین دو کشور خواهد بود و بر واقعیت راهبردی در کل منطقه خاورمیانه تأثیر می‌گذارد. این پیمان یک پیروزی برای جریانی است که از دیرباز در خاورمیانه وجود داشته است. این روند حاکی از آن است که گسترش و تعمیق روابط بین طرف‌های درگیری اعراب



و اسرائیل مهم‌ترین دروازه برای دستیابی به ثبات در منطقه و کاهش احتمال درگیری بین طرف‌های آن است. معاهده صلح بین امارات و اسرائیل بدون شک به تعمیق روابط بین منطقه خلیج عربی و «منطقه مرکزی» که نتیجه مستقیم افزایش حجم تعاملات و مراودات سیاسی و اقتصادی بین دو طرف است کمک خواهد کرد. به معاهده اگر سایر کشورهای منطقه خلیج فارس به این سمت بپیوندند، شانس این تحول افزایش می‌یابد. درحالی‌که معاملات تاریخی عظیمی بین امارات متحده عربی و تعدادی از کشورهای "مرکز" (که برخی از آن‌ها طرف مستقیم درگیری اعراب و اسرائیل بودند) وجود دارد، آغاز مرحله تعامل فشرده بین امارات و اسرائیل بدون شک این حجم را عمیق‌تر خواهد کرد. تعامل و همراهی خلیج فارس با منطقه مرکزی به دلیل عوامل مرتبط با ویژگی اسرائیل به‌عنوان طرف اصلی مناقشه اعراب و اسرائیل، علاوه بر افق‌هایی که با این معاهده برای همکاری‌های سیاسی و امنیتی بین کشورهای عربی باز خواهد شد. دو طرف. این امر به موضوع امنیت منطقه به‌طور کلی و درگیری اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین به‌طور خاص، وزن بیشتری را در دستور کار امنیتی امارات متحده عربی و منطقه خلیج عربی قرار می‌دهد که به طرف‌های مهم برای مدیریت این امر تبدیل می‌شود (EPC, 2020).

انتظار می‌رود این معاهده پیامدهای مهمی در خصوص محورهای استراتژیک در منطقه داشته باشد. در این سطح می‌توان به دو نتیجه مهم در اینجا اشاره کرد. اول، این معاهده به تقویت آنچه در طول تاریخ به‌عنوان «محور اعتدال» در منطقه شناخته می‌شود، کمک می‌کند که علاوه بر امارات، مصر، عربستان سعودی و اردن را در برمی‌گیرد، در مقابل یک محور رادیکال دیگر که عمدتاً شامل قطر و تعدادی از کشورهای غیرعربی و همچنین برخی سازمان‌ها و بازیگران "غیردولتی" می‌شود. جدایی این دو محور در طول سال‌های متممادی بر اساس مواضع طرفین آن‌ها در مورد تعدادی از مسائل مهم منطقه از جمله موضع در مورد مناقشه اعراب و اسرائیل صورت گرفت، زیرا اختلاف نظر بین دو طرف بر سر سازوکارها وجود داشت. مدیریت آن تعارض درحالی‌که محور اعتدال تمایل بیشتری به توجه بیشتر به سازوکارهای مذاکره و گفتگوی مستقیم داشت، محور مخالف متمایل به تکیه بر مکانیسم‌های رادیکال، از جمله سازمان‌های خشونت‌آمیز و «غیردولتی» بود. از این نظر می‌توان گفت که پیوستن امارات متحده عربی به کشورهای عادی که روابط عادی با اسرائیل را حفظ می‌کنند، به تقویت «محور اعتدال» به‌طور کلی و جایگاه کشورهای این محور در مورد نحوه مدیریت کمک می‌کند. به‌ویژه درگیری اعراب و اسرائیل، در مواجهه با محور رادیکال، به‌ویژه با افزایش احتمالی نقش امارات در مدیریت مناقشه اعراب و اسرائیل پس از امضای معاهده صلح با اسرائیل. (EPC, 2020)



ثانیا انتظار می‌رود این معاهده فرصت‌های همکاری و هماهنگی امارات و اسرائیل با توجه به تهدید ایران را بیشتر می‌کند، اشغال جزایر متعلق به حاکمیت امارات و اولویتی که اسرائیل در سال‌های اخیر به تهدید ایران داده است. اسرائیل نقش مهمی در بسیج جامعه بین‌المللی علیه پروژه هسته‌ای ایران و علیه توافق هسته‌ای که در سال ۲۰۱۵ با آن امضا شد، ایفا کرد. معاهده امارات و اسرائیل می‌تواند همکاری و هماهنگی امارات - و همچنین خلیج فارس - با اسرائیل را برای محاصره ایران آغاز کند. تهدید ایران، از تبادل اطلاعات درباره پروژه هسته‌ای ایران و سیاست‌های ایران در منطقه شروع می‌شود و با هماهنگی مشترک در مجامع بین‌المللی در خصوص سیاست‌های مخرب ایران در منطقه و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاتمه می‌یابد. علاوه بر این، اسرائیل نیز می‌تواند برای دستیابی به تجهیزات نظارتی پیشرفته مورد نیاز قرار گیرد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سوالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
دوست محمدی (۱۳۸۶) - توصیفی - تحلیلی	ریشه‌های ایدئولوژیکی و تاریخی شکست طرح‌های صلح خاورمیانه ناشی از چیست؟	کشمکش‌ها و جنگ‌های خاورمیانه ریشه در خلق و خوی نژاد پرستانه، توسعه طلبانه و سلطه جویانه رژیم صهیونیستی اسرائیل دارد که خود برگرفته از تعالیم و دستورات تورات تحریف شده، تلمود و پروتکل‌های زعمای صهیونیسم می‌باشد و صلحی که اسرائیل از آن دم می‌زند، یک صلح واقعی نیست. بلکه صرفاً ترفندی است برای ادامه حیات تحمیلی خود در منطقه در جهت اجرای سیاست اشغال و انقراض نسل اعراب مسلمان.
احمدی (۱۳۸۹) - توصیفی - تحلیلی	ماهیت، اهداف و فرجام طرح‌های صلح خاورمیانه چیست؟	ایجاد کشور مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل با بیشترین اقبال مواجه است ولی سیاست‌های اسرائیل موجب می‌شود این طرح با شکست روبرو شود.
محمودی و همکاران (۱۳۹۳) - توصیفی - تحلیلی	استراتژی تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی چه ارتباطی با امنیت ملی اسرائیل دارد؟	مقامات اسرائیلی دلایل دشمنی خود را حمایت ایران از گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی مخالف اسرائیل، مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه و دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی می‌دانند. بر این اساس، با بزرگ جلوه دادن تهدید ایران در اذهان دیگران در پی به‌کارگیری ابزارهای متعدد علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.



قابلیت‌های قانونی و محدودیت‌های عملی سازمان همکاری اسلامی در این خصوص نیز بررسی می‌گردد تا در نهایت مشخص شود که اصولاً ترتیبات منطقه‌ای با لحاظ پاره‌ای ملاحظات می‌توانند گزینه‌ی مناسبی برای حفظ صلح و امنیت یک منطقه به شمار روند.	سازمان همکاری اسلامی چه نقشی در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه دارد؟	حسینی (۱۳۹۴) - توصیفی - تحلیلی
رویکرد سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل رسیدن به آرمان اسرائیل بزرگ به عنوان تمهیدی جهت تحقق وعده‌های تورانی، استوار بوده است. امروزه این استراتژی دست‌خوش تغییر گشته و به‌جای اشغالگری به دنبال سلطه‌گری می‌باشد.	اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در فضای نوین منطقه‌ای چیست؟	سهرابی و نجفی (۱۳۹۴) - توصیفی - تحلیلی
تا زمانی که عزمی فراتر از منافع گروه‌ها و احزاب داخلی فلسطینی و اسرائیلی وجود نداشته باشد، رسیدن به هدف غایی که صلح پایدار است امری دست‌نیافتنی است و این چرخه ویرانگر جنگ و صلح ادامه خواهد یافت.	طرح‌ها و قرارهای صلح پیشنهادی مابین اعراب و اسرائیل چه نقشی دارد؟	دولاح و اکبرپور (۱۳۹۵) - توصیفی - تحلیلی
تداوم تیرگی و قطع بودن روابط رسمی ایران و آمریکا و تنش و تضاد از تأثیرات نقش اسرائیل در روابط ایران و آمریکا است.	اسرائیل چه تأثیری در روابط ایران و آمریکا دارد؟	موسوی فرد (۱۳۹۵) - توصیفی - تحلیلی
اسلام برای حفظ یکپارچگی ناشی از تمدن اسلامی، وحدت و وفاق را در میان آموزه‌هایش مطرح می‌سازد. این عامل باعث نزدیک شدن جوامع اسلامی و راه‌حل مشکل کنونی منطقه وحدت می‌باشد.	نقش دین اسلام در برقراری صلح در منطقه خاورمیانه چیست؟	پسرکلو (۱۳۹۵) - توصیفی - تحلیلی
جایی که ایالات‌متحده در راستای ایجاد صلحی همیشگی دست به تحریم کشورهای این منطقه آن‌هم در جهت تأمین منافع خود می‌زند و جایی که در بعد فرهنگی ایالات‌متحده تمام رسانه‌های دنیا را برای جا افتادن تفکر لیبرالیستی مد نظر خود به مردم این منطقه بسیج می‌کند که نه‌تنها منتج به ایجاد صلح نشده بلکه ریشه‌ی نفاق و چند دسته‌گی در بعد مذهبی را نیز محکم‌تر نموده است.	فعالیت‌های آمریکا تا چه میزان بر صلح پایدار در خاورمیانه اثر گزار بوده است؟	محمدی (۱۳۹۹) - توصیفی - تحلیلی
تلفیق معماری با هنر و فرهنگ غنی معماری بین‌النهرین به‌عنوان یکی از معماری‌های دیرپای جهان از باب معماری می‌تواند با آفرینش فضایی مطلوب جهت تحقق تبادلات بینا فرهنگی مؤثر واقع گردد و میان تاریخ، هویت و فرهنگ موجود در یک منطقه، توازن و تعادل برقرار سازد.	راهکارهای طراحی صلح خاورمیانه بر اساس ویژگی‌های تمدن بین‌النهرین چیست؟	عسکری و توحیدی (۱۳۹۹) - توصیفی - تحلیلی



<p>شکست صلح در خاورمیانه بیشتر ریشه در خلق و خوی توسعه طلبانه اسرائیل دارد و عواملی چون بحران مشروعیت در این منطقه، اختلافات مذهبی کشورها باهم، اختلافات مرزی و مسابقه تسلیحاتی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. برخی از فرصت‌ها عبارت‌اند از وجود اشتراکات فرهنگی بین کشورها، برقراری تعاملات گردشگری، کاهش وابستگی به درآمد نفتی و اختصاص درآمدها به رشد اقتصادی به جای نظامی‌گری.</p>	<p>کدام عوامل، صلح در خاورمیانه را با چالش روبه‌رو کرده است فرصت‌های که برای تحقق صلح در این منطقه وجود دارد کدام‌ها هستند</p>	<p>روحی مهر (۱۳۹۸) - توصیفی - تحلیلی</p>
<p>کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا ضمن تغییر شیوه‌ها و ابزارهای اعمال قدرت در عرصه‌های جنگ نوین، خواستار سلطه بر منطقه خاورمیانه از طریق جنگ نرم می‌باشد؛ و جمهوری اسلامی ایران نیز بدون توجه به تحولات آتی همچنان یک بازیگر راهبردی و مهم در منطقه بوده و در آینده نیز خواهد بود، موقعیت راهبردی و نفوذ ایران کشور را از امتیاز متعددی در جغرافیای سیاسی منطقه اروپا، غرب آسیا و خلیج فارس برخوردار می‌سازد.</p>	<p>جایگاه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه با رویکرد صلح و ثبات چگونه است؟</p>	<p>دهقانی (۱۳۹۸) - توصیفی - تحلیلی</p>

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

از آنجایی که مسئله روند صلح اعراب و اسرائیل در منطقه به‌صورت راهبردی در اواخر دوره ترامپ شکل گرفته شده و عملیاتی شده لذا موضوع جدید و نویی می‌باشد لذا منابع مشخص و کافی در این خصوص نمی‌توان معرفی کرد که بر امنیت ایران تأثیرگذار باشد.

۳- روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف این پژوهش طراحی مدل رفتار تأثیر صلح اسرائیل با اعراب بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است و تاکنون به طراحی الگویی در این زمینه پرداخته نشده است این پژوهش با رویکردی کیفی و استفاده از روش داده بنیاد به تدوین الگوی اثرات صلح اسرائیل با اعراب بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است؛ بنابراین سؤال اصل تحقیق به‌صورت زیر است:

الگوی تأثیرات صلح اعراب با اسرائیل بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

برای پاسخگویی به این سؤال سؤالات فرعی زیر مطرح می‌شود:



- ۱- عوامل علی تأثیرگذار بر امنیت و منافع ملی ایران به واسطه صلح اعراب و اسرائیل کدامند؟
- ۲- عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر امنیت و منافع ملی ایران به واسطه صلح اعراب و اسرائیل کدامند؟
- ۳- عوامل مداخله‌ای تأثیرگذار بر امنیت و منافع ملی ایران به واسطه صلح اعراب و اسرائیل کدامند؟
- ۴- پدیده محوری تأثیرگذار بر امنیت و منافع ملی ایران به واسطه صلح اعراب و اسرائیل کدامند؟
- ۵- راهبردهای تأثیرگذار بر امنیت و منافع ملی ایران به واسطه صلح اعراب و اسرائیل کدامند؟
- ۶- پیامدهای مثبت و منفی مؤثر بر امنیت و منافع ملی ایران به واسطه صلح اعراب و اسرائیل کدامند؟

۳-۱- نوع تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف بنیادی- کاربردی به دلیل سعی در شناخت ماهیت و ذات رفتار اعراب و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بنیادی و از لحاظ ارائه راه‌حل‌های کاربردی برای کشور می‌تواند در زمره تحقیقات کاربردی نیز قرار گیرد و از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی اکتشافی و از نوع تحقیقات کیفی است.

۳-۲- استراتژی کلی تحقیق

روش‌های تحقیق کیفی برای درک باورها، تجربیات، نگرش‌ها، رفتار و تعاملات افراد استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر به جای تکیه بر یک منبع داده، اشکال متعددی از داده‌ها مانند مصاحبه، مشاهدات و اسناد را جمع‌آوری شده و در جهت حل مسائل از طریق تجزیه به استنتاج‌های معنادار که به راحتی برای همه قابل خواندن و درک است، استفاده شده است

۳-۳- تعریف مفاهیم یا متغیرها (نظری و عملیاتی)

- صلح

صلح اصطلاحی است که در روابط بین‌المللی کاربرد بیشتر دارد؛ بنابراین از رفتارهای خصمانه داخلی میان نهادها و ارگان‌ها به صلح تعبیر نمی‌آورند؛ اما به پایان مخاصمات مشخص، مانند صلح وستفالی یا صلح ورسای، یا به مفهومی وسیع‌تر، به فقدان مخاصمات، یا دوستی و مودت فعال و نهادهای معینی که توانسته‌اند روابط بین دو یا چند کشور، یا کشورها



به طور اعم را به نحوی موفقیت آمیز تحت نظم درآورد صلح می گویند. به عقیده برخی صلح واقعی صرفاً فقدان مخاصمات فعال نیست، بلکه وجود «آرامش در نظام» است (علی بابایی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). صلح در عرف سیاسی به حالت عدم مخاصمه بین کشورها اطلاق می شود. بین کشورهایی که در حال جنگ هستند، صلح در حالی برقرار می گردد که بین آنها پیمان صلح به امضاء برسد. لذا از آتش بس در جنگ و حالت ترک مخاصمه نظیر وضعی که بین کشورهای عربی و اسرائیل (غیر از مصر) وجود دارد صلح تلقی نمی شود؛ زیرا این کشورها، هر آن ممکن است بدون اخطار قبلی وارد جنگ شوند (طلوعی، ۱۳۸۵: ۶۶۵).

- امنیت ملی

امنیت ملی یعنی توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی کشور؛ بنابراین در کشورها ممکن است کلمات یا واژه های دیگری را مترادف با امنیت ملی استفاده کنند مانند صیانت از کشور، بقای کشور، توازن قدرت، بازدارندگی، منافع ملی بی طرفی، امنیت دسته جمعی (مرادیان، ۱۳۸۹).

۳-۴- روش های گردآوری داده ها

در نظریه داده بنیاد، گردآوری اطلاعات تا زمانی ادامه می یابد که پژوهش به اشباع برسد؛ یعنی پژوهشگر به این اطمینان برسد که پژوهش به حد کفایت رسیده است و مصاحبه با افراد بعدی با بررسی تحقیقات جدید، چیز جدیدی به اطلاعات اضافه نمی کند. در این رویکرد از روش نمونه گیری نظری استفاده می شود. نمونه برداری نظری فرآیند جمع آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله، تحلیل گر به طور همزمان داده های جمع آوری، کدگذاری و تحلیل می کند. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از روش مصاحبه از فرایند سه مرحله ای کدگذاری باز کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد

۳-۵- روش های تحلیل داده ها

در این پژوهش برای رفع نواقص پژوهش های گذشته با رویکردی کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد، به تدوین مدلی جامع که شامل عوامل علی عوامل مداخله گر، عوامل زمینه ای، بررسی راهبردها و پیامدهای صلح اسرائیل و اعراب بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، پرداخته است. رویکرد نظریه داده بنیاد یک نوع روش پژوهش کیفی است که به استقرایی یک سلسله رویه های نظام مند را به کار می گیرد تا نظریه ای درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند (استراوس و کوربین ۱۹۹۰) روش نظریه پردازی داده



بنیاد پس از کتاب تأثیرگذار بارنی گلینتر و السلم، استراوس اهمیت بیشتری پیدا کرده و مورد تأیید بیشتری قرار گرفت. داده‌هایی که توسط نظریه پرداز داده بنیاد برای تشریح فرایندها جمع‌آوری می‌شود. شامل انواع بسیاری از داده‌های کیفی است؛ از جمله، مشاهدات گفت‌ووشنوده‌ها، مصاحبه‌ها، اسناد دولتی، خاطرات و ... (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶).

۳-۶- جامعه و نمونه

جامعه مورد مطالعه، تحقیق اساتید و اعضاء هیئت‌علمی گروه‌های آموزشی روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در دانشگاه‌های تهران می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها جهت پاسخ به سؤالات تحقیق اقدام به مصاحبه نیمه ساختاریافته با اعضای جامعه مذکور شد افراد پاسخ‌دهنده بر اساس منصب و پست سازمانی، میزان تحصیلات، میزان سابقه و تجربه در حوزه روابط بین‌الملل و میزان شهرت به‌واسطه تخصص و دانش در این حوزه موضوعی مورد مطالعه انتخاب شدند. با توجه به مطالب بیان شده با استفاده از روش هدفمند قضاوتی که یک روش غیر احتمالی است نمونه تحقیق انتخاب شد. بدین ترتیب، پژوهشگر با 16 نفر از اعضای جامعه مصاحبه انجام داد. بعد از مصاحبه با این افراد مطالب بیان شده توسط افراد بعدی (مصاحبه با ۴ نفر دیگر) اطلاعات جدیدی به تحقیق اضافه نکرد و لذا فرایند مصاحبه متوقف شد. به عبارت دیگر، حجم نمونه نهایی ۱۲ نفر است. ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد مصاحبه شده در جدول (۱) آمده است:

جدول ۱ مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش

مشخصات جمعیت شناختی	دامنه متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۱۰	۶۲/۵
	زن	۶	۳۷/۵
سابقه خدمت	۱۵-۲۰	۳	۱۸/۷۵
	۲۰-۲۵	۹	۵۶/۲۵
	۲۵ به بالا	۴	۲۵/۰۰
تحصیلات	فوق لیسانس	۳	۱۸/۷۵
	دکتری	13	۸۱/۲۵
رشته تحصیلی	علوم سیاسی	7	۴۳/۷۵
	روابط بین‌الملل	9	۵۶/۲۵
سمت سازمانی	هیئت‌علمی	10	۶۲/۵
	رئیس دانشگاه	۳	۱۸/۷۵
	معاون آموزشی یا پژوهشی	۳	۱۸/۷۵



۳-۷- رویی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

به‌منظور اطمینان از رویی و پایایی پژوهش یا به عبارتی دقیق بودن یافته‌های تحقیق، اقدامات زیر انجام گرفت:

الف) حساسیت پژوهشگر با توجه به اینکه مطلوبیت پژوهش کیفی فقط به مطلوبیت پژوهشگر کیفی بستگی دارد پژوهشگر تلاش نمود با خلاقیت، حساسیت، انعطاف‌پذیری و مهارت این پژوهش را انجام دهند.

ب) انسجام روش‌شناسی: تلاش شد که بین سؤال پژوهش و عناصر شیوه پژوهش همسویی لازم وجود داشته باشد.

ج) مناسب بودن نمونه: تمام تلاش محققین بر این بود که آزمودنی‌هایی انتخاب شود که بهترین دانش را در مورد موضوع مورد پژوهش دارند (ایسنهارد، ۱۹۸۹)

همچنین جهت بررسی اعتبار نهایی الگوی ارائه‌شده با توجه به نظرات کرسول (۲۰۱۲)، از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده‌شده؛ بدین ترتیب از چهار نفر از اساتید گروه روابط بین‌الملل (غیر از اعضای نمونه) درخواست شد نظرات خود را بیان دارند که پس از دریافت نظرات اصلاحی، اصلاحات موردنیاز انجام و الگوی نهایی پژوهش ارائه شد.

۸-۳- مراحل انجام و به‌کارگیری روش

روش تحقیق مورداستفاده در این پژوهش از منظر زمان آینده‌گرا، از منظر کارکرد نتیجه‌گرا و از منظر داده‌ها کیفی می‌باشد؛ چراکه با مطالعه و بررسی مقالات و پژوهش‌های پیشین و تحولات روز منطقه خاورمیانه و روابط اسرائیل با حوزه‌ی عربی و سیاست پیش روی ایالات متحده آمریکا، تحلیل و توصیف داده‌ها صورت گرفته و نیز سعی در آن داشته‌ایم که با تجزیه و تحلیل روی داده‌های اخیر به یک نتیجه‌ی منسجم در جهت بررسی معضلات پیش رو برسیم.

۴- یافته‌های تحقیق

در این تحقیق برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش نظریه داده بنیاد استفاده شد. اولین مرحله در این روش که گذاری باز می‌باشد. کدگذاری باز، جزیی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها انجام می‌شود. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم در مقوله‌ها، هر مفهوم بعد از تفکیک برچسب خورده و داده‌های خام به‌وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای مفهوم‌سازی شدند.



داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه شدگان کدگذاری شدند تا به شکل راحت‌تری شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناسایی شوند.

با توجه به اینکه حجم داده‌های گردآوری شده در مصاحبه زیاد بود و کدگذاری باز بسیار گسترده بود نتایج این کدگذاری در مقاله نیامده است و این کدها به مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری وارد شده و اقدامات لازم روی آن‌ها انجام گرفت. کدگذاری محوری درک عمیق‌تری از روابط بین پدیده‌ها را توسعه می‌دهد. این کار از طریق برقراری ارتباط بین طبقه‌های گوناگون داده‌ها که طی کدگذاری باز تعیین شده بود، صورت می‌گیرد. هدف اصلی کدگذاری محوری برقراری یک «محور» نامیده شده که کدگذاری حول «محوری» ارتباط بین فرایند و ساختار است. کدگذاری محوری معمولاً زمانی استفاده می‌شود که مقوله‌ای محوری یا مرکزی که پیونددهنده سایر مقوله‌هاست، مشخص شود. در بخش زیر مقوله اصلی و سایر مقوله‌های مرحله کدگذاری محوری آمده‌اند

الف) شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط علی (یافته‌های محقق)

مقوله کلی	مفاهیم	کدهای نهایی استخراج شده
نیازها	نیازهای حکمرانی	۱. افزایش وحدت ملی / فراهم آوردن حمایت از اقوام کشور ۲. اغنای اقوام و مذاهب در قبول حفظ یکپارچگی ملی ۳. جلوگیری از لرزش گسل‌های اجتماعی / حفاظت از مذهب رسمی
	نیازهای تقویت قدرت ملی	۴. نزدیک شدن اعراب به قدرت اول جهان ۵. کسب قدرت
	نیازهای امنیتی	۶. کسب احساس امنیت در منطقه- مقابله با تهدیدات ۷. حفاظت از تمامیت ارضی در مقابل تجزیه‌طلبی اقوام
	نیازهای اطلاعاتی	۸. کسب اطلاعات راهبردی- دسترسی به اطلاعات ۹. عقب نماندن از رقابت فناوری اطلاعات
	نیازهای اعتقادی	۱۰. تأمین انرژی/کاهش سطح مناسبات اعتقادی اعراب و اسرائیل ۱۱. کاهش بیکاری جوانان/ امنیت غذایی



ب) **شرایط زمینه‌ای:** شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
 جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای (یافته‌های محقق)

مقوله کلی	مفاهیم	کدهای نهایی استخراج شده
شرایط زمینه‌ای	ویژگی‌های منطقه غرب آسیا (جغرافیایی)	۱. نیاز جهان به انرژی این منطقه ۲. تأمین انرژی اسرائیل ۳. محاصره زمین اسرائیل توسط جبهه مقاومت ۴. جلوگیری از افزایش نفوذ ایران ۵. جغرافیای قدرت ساز ایران
	ویژگی‌های مذهبی	۶. جنگ تمدن‌ها/ تقابل ادیان ابراهیمی ۷. تقابل اسلام و یهودیت ۸. کاهش نگاه منفی مسلمین به صهیونیسم ۹. در تقابل قرار دادن مذاهب شیعه و سنی ۱۰. لزوم خروج دین از عرصه سیاست
	ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی	۱۱. تفاوت بین عرب و عجم ۲۲. ایران هراسی ۳۳. تغییر نگاه مردم منطقه به خطر امپراتوری ایران ۴۴. تنوع اقوام ایرانی ۵۵. تفاوت فرهنگی در نقاط مختلف کشور ۶۶. جلوگیری از الگو شدن ایران برای ملل مسلمان

ج) **شرایط مداخله‌گر:** شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
 جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌ای (یافته‌های محقق)

مقوله کلی	مفاهیم	کدهای نهایی استخراج شده
شرایط مداخله‌ای	ارتباطات نامناسب رسمی همسایگی	۱. ارسال سلاح به مخالفان عراق و سوریه ۲. تقویت بنیه مالی تروریست‌های منطقه‌ای توسط اعراب ۳. حمله به یمن ۴. اجازه ایجاد پایگاه نظامی و اطلاعاتی به اسرائیل ۵. دفاع از طرح‌های تجزیه ایران
	ویژگی‌های ساختاری حکومتی	۶. فقدان انتخابات آزاد در بستر کشورهای عربی ۷. تسلط طوایف و عشیره‌های خاص بر کشورهای عربی ۸. عدم مشارکت مردم در ساختارهای رسمی



۹. حمایت غرب از این حکومت‌ها ۱۰. بسته بودن ساختارهای حکومتی		
۱۱. پایین بودن حجم مبادلات تجاری بین همسایگان در خاورمیانه ۲۲. پایین بودن حجم توریسم در بین این کشورها ۳۳. فقدان بازارهای اقتصادی مشترک	تعاملات متقابل محدود	
۴۴. نبود پیمان‌های دوجانبه یا چندجانبه اقتصادی/امنیتی/فرهنگی ۵۵. غفلت از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای ۶۶. حرکت به سمت تمدن سازی ۷۷. ارتقاء جایگاه ایران در نظام بین‌الملل ۸۸. تشکیل قطب ضد سلطه	فقدان برنامه‌های راهبردی	

د) **پدیده محوری:** یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرایند است. (استراوس، ۱۹۸۷) برای انتخاب مقوله محوری بیان می‌دارد که مقوله‌ای باید محور باشد که: ۱. همه مقوله‌های اصلی دیگر را بتوان به آن مربوط کرد؛ ۲. باید به کرات در داده‌ها ظاهر شود (موارد زیر به‌طور مکرر توسط پاسخ‌دهندگان مورد اشاره قرار گرفت)؛ ۳. توضیحی که به تدریج با ربط-دهی مقوله‌ها رشد پیدا می‌کند، منطقی و محکم است؛ ۴. مفهوم همان قدر که قادر به تشریح نکته اصلی برآمده از داده‌هاست، قادر به توضیح دگرگونی‌ها نیز هست (با تغییر شرایط مواردی که به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شدند می‌تواند به قوت خود باقی بماند و محور اصلی پدیده مورد مطالعه باشد). مقوله‌های در نظر گرفته شده برای مقوله محوری دارای ویژگی‌های بیان شد بود و لذا از سوی محققان به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شدند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

جدول ۵. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پدیده محوری (یافته‌های محقق)

مقوله کلی	مفاهیم	کدهای نهایی استخراج شده
پدیده محوری	بهبود تعاملات امنیتی با همسایگان	۱. الگو شدن برای کشورهای منطقه
		۲. کاهش هژمونی اسرائیل
		۳. کاهش هژمونی آمریکا
		۴. راهبرد ثابت ایران در منطقه فلسطین
		۵. مشارکت در مبارزه با تروریسم
بهبود توانمندی‌های منطقه‌ای	منطقه‌ای	۶. وجود بازیگران قدرتمند منطقه‌ای مانند حزب‌الله
		۷. ایجاد و گسترش نفوذ منطقه‌ای



۸. تقویت بنیه دفاعی کشورهای منطقه ۹. افزایش امید شیعیان منطقه به ایران ۱۰. کاهش فشار تحریم‌ها		
۱۱. اصلاح ساختار حاکم بر روابط بین‌الملل ۱۲. جلوگیری از تجزیه کشورهای منطقه ۱۳. تشکیل قطب ضد سلطه اسرائیل و غرب ۱۴. توسعه عمق استراتژیک ایران	بهبود روابط امنیتی راهبردی	

۵) **راهبردها:** کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود
جدول ۶. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با راهبردها (یافته‌های محقق)

مقوله کلی	مفاهیم	کدهای نهایی استخراج شده
راهبردها	اقدام‌های ملی	۱. سرمایه‌گذاری در توسعه و حفظ روابط با همسایگان ۲. توسعه و حفظ روابط همسایگی/ ایجاد و نگهداری مجموعه‌ای از روابط غیررسمی ۳. افزایش اعتماد با ایجاد و حفظ روابط هم‌جواری ۴. تعامل نزدیک با کشورهای عربی که به سمت ایجاد رابطه با اسرائیل رفته‌اند ۵. روابط با قدرت‌های شرق جهت فشار بر کشورهای عربی جهت انجام تعامل با ایران در تقابل با اسرائیل
	اقدام‌های منطقه‌ای	۶. ایجاد یکپارچگی در هنجارهای منطقه‌ای ۷. تلاش برای تعریف منافع مشترک در هماهنگی با منافع ملی کشورهای عربی ۸. حرکت به سمت تنظیم قراردادهای و پیمان‌های منطقه‌ای ۹. اشتراک منابع اطلاعاتی و امنیتی در بین همسایگان منطقه‌ای ۱۰. انجام دپدارها دوجانبه و چندجانبه در بین سران منطقه‌ای
	اقدام‌های بین‌المللی	۱۱. اقدام به اتخاذ مواضع مشترک در عرصه‌های بین‌المللی ۱۲. تنظیم تفاهم‌نامه‌های مشترک بین‌المللی ۱۳. استفاده از ظرفیت ملل مسلمان جنوب شرق آسیا ۱۴. بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی اسلامی ۱۵. موضع‌گیری‌های مشترک در قبال مسئله فلسطین در عرصه‌های جهانی



(ز) پیامدها: خروجی‌های حاصل از به‌کارگیری راهبردها.

جدول ۷. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی‌شده مرتبط با پیامدها (یافته‌های محقق)

مقوله کلی	مفاهیم	کدهای نهایی استخراج‌شده
پیامدها	استقلال و خودمختاری در حوزه‌های امنیتی	<p>۱. اجازه دادن به مردم منطقه جهت مشارکت در تأمین امنیت</p> <p>۲. امکان انعکاس دیدگاه‌ها و نکته نظرات کارشناسی خبره</p> <p>۳. استقلال در امنیت ملی و منطقه‌های</p> <p>۴. پایان دادن به سیطره امنیتی آمریکا در خاورمیانه</p> <p>۵. خروج از معاهدات امنیتی با اسرائیل</p>
	بهبود روابط منطقه‌ای	<p>۶. کمک به رشد و تکامل ساختار روابط رسمی</p> <p>۷. پرورش نیروهای ارشد سازنده در روابط بین‌المللی</p> <p>۸. کاهش روابط خشک منطقه‌های / باز نمودن راه‌های ارتباطی درست و مؤثر</p>
	اثر بخشی اقدامات امنیتی	<p>۹. افزایش موفقیت در انجام اقدامات امنیتی</p> <p>۱۰. افزایش رفتارهای فراتر از نقش کشورهای عربی</p> <p>۱۱. تحریک و تهییج ملل عربی جهت مقابله با اسرائیل</p> <p>۱۲. امکان جامعه‌پذیری اسلامی بیشتر در ملل عربی</p> <p>۱۳. شبکه‌سازی برای مؤثر سازی تصمیمات چندجانبه</p>
	تسهیل و کنترل تصمیمات و فعالیت‌های دو یا چندجانبه	<p>۱۴. کمک‌کننده بودن رفتار شبکه‌سازی برای دولت‌های عربی و منطقه‌ای</p> <p>۱۵. جبران کمبود توانایی‌های امنیتی</p> <p>۱۶. ارزشیابی مستمر از سیستم‌های امنیتی و پی بردن به کاستی‌ها و نارسایی‌ها</p> <p>۱۷. جلوگیری از تصمیمات غیرمنطقی و یک‌طرفه</p> <p>۱۸. جلوگیری از اقدامات خودسرانه و بخشی</p> <p>۱۹. مصون داشتن حکمرانان عربی از بسیاری از اشتباهات و پیامدهای غیر مطلوب</p> <p>۲۰. کاهش بار منفی تصمیمات و اقدامات امنیتی در انجام معاهدات دو یا چندجانبه</p>
	ایجاد مانع در تصمیمات و اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای	<p>۲۱. مقابله با مدیریت، تصمیمات، برنامه‌ها و تغییرات امنیتی</p> <p>۲۲. تحت‌الشعاع قرار دادن وظایف سازمان‌های امنیتی به‌وسیله ایجاد فشار فرار منطقه‌های</p> <p>۲۳. بازداشتن سازمان‌های امنیتی از مسیر اصلی و اهداف خود</p> <p>۲۴. دخالت بی جا در تصمیمات و اختلال در اقدامات امنیتی</p> <p>۲۵. اقدام به شایعه‌پراکنی، پخش اطلاعات نادرست و بزرگ‌نمایی مسائل</p>



۶۶. تغییر در نقش‌های امنیتی سازمان‌های کشورهای عربی ۷۷. ایجاد تعارضات دو یا چندجانبه ۸۸. تعارض در نقش‌های سازمان‌های امنیتی ۹۹. ایجاد جو ارباب و تهدید از طرف دستگاه امنیتی اسرائیل	افزایش تعارضات در خاورمیانه (غرب آسیا)
۱۰۰. کمک به درک و فهم فرهنگی و بین فرهنگی ملل مسلمان منطقه ۱۱. ایجاد تعهدات امنیتی دو یا چندجانبه ۲۲. ایجاد یکپارچگی و هم‌نوایی امنیتی در قبال اسرائیل ۳۳. افزایش اطمینان و دلگرمی ملل مسلمان منطقه ۴۴. حفظ ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در رعایت هنجارهای منطقه‌ای ۵۵. ایجاد احساس هویت دینی در ملل مسلمان ۶۶. افزایش دوام و کارایی امنیتی مردم پایه به‌وسیله بهبود رضایت ملل مسلمان	بهبود تعهدات منطقه‌ای

کدگذاری انتخابی (خلق نظریه)

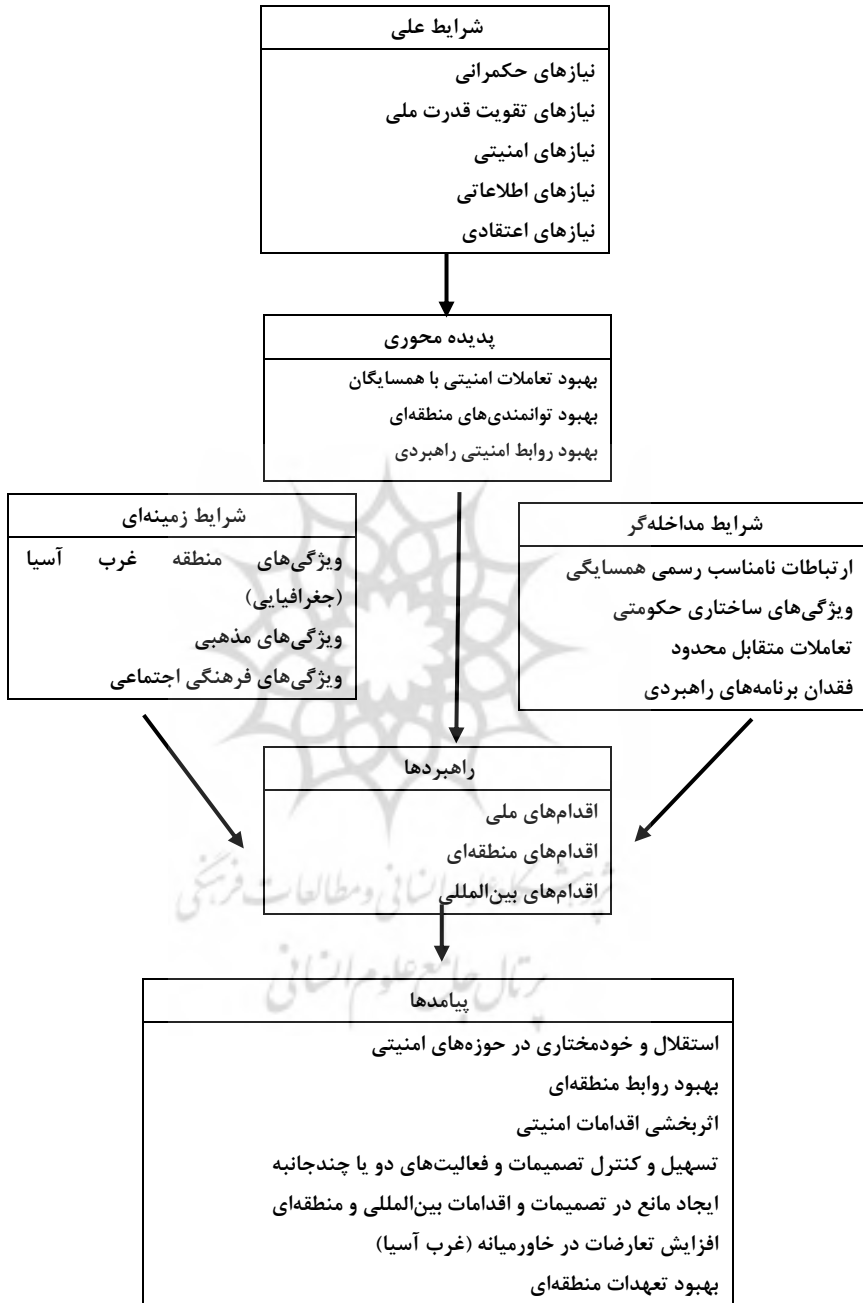
این مرحله از کدگذاری فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها برای شکل‌گیری نظریه است که بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری که به‌عنوان مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای نظریه‌پردازی، مقوله‌ها و روابط مقدماتی را به‌عنوان سازه‌ها و اصول اصلی نظریه در اختیار می‌گذارند، به تولید نظریه پرداخته و به‌این‌ترتیب مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن می‌کنند؛ همچنین مقوله‌هایی را که نیازمند بهبود و توسعه بیشتری هستند، اصلاح می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). به‌طور خلاصه، فرایند تحلیل داده‌ها که به خلق مدل نظری منجر می‌شود، شامل شرایط علی شرایط زمینه‌ای شرایط مداخله‌ای، راهبردها و پیامدها هستند که پدیده اصلی یعنی نقش صلح اعراب با اسرائیل بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران را توصیف و تشریح می‌کنند. مدل نظری پدیده مورد مطالعه، با توجه به جداول شماره ۲ تا ۷ به‌صورت زیر ارائه می‌شود:

در مرحله کدگذاری انتخابی به ارائه قضایایی نظری پرداخته می‌شود. قضیه‌های نظری بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک طبقه و مفاهیم آن با طبقات معین است. قضیه‌ها متضمن روابط مفهومی هستند، درحالی‌که فرضیه‌ها مستلزم روابط سنجش پذیرند چون رویکرد نظریه داده بنیاد روابط مفهومی تولید می‌کند و نه سنجش پذیر، لذا به‌کارگیری اصطلاح قضایا مرجح است. پنج قضیه نظری در این تحقیق بر اساس مدل ارائه‌شده به‌صورت زیر هستند:

قضیه اول: نیازهای حکمرانی، نیازهای تقویت قدرت ملی، نیازهای امنیتی، نیازهای اطلاعاتی و نیازهای اعتقادی، عوامل علی تأثیرگذار بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران ناشی از صلح اعراب و با اسرائیل است دهنده رفتار شبکه‌سازی کارکنان محسوب می‌شوند



قضیه دوم: اقدام‌های ملی، اقدام‌های منطقه‌ای و اقدام‌های بین‌المللی کنش‌هایی هستند که در سطوح مختلف می‌تواند انجام گیرد که به می‌تواند بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد.



شکل ۱- مدل پارادایمی نقش صلح اعراب با اسرائیل بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران
قضیه سوم: ارتباطات نامناسب رسمی همسایگی، ویژگی‌های ساختاری حکومتی، تعاملات متقابل محدود، فقدان برنامه‌های راهبردی بستری عام هستند که می‌تواند در بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران مؤثر باشند.

قضیه چهارم: ویژگی‌های منطقه غرب آسیا (جغرافیایی)، ویژگی‌های مذهبی و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی، بستری خاص مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران ناشی از صلح اعراب با اسرائیل می‌باشند و این عوامل چندگانه می‌توانند در تعامل با همدیگر میزان تأثیرگذاری بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران را دوچندان نمایند.

قضیه پنجم: صلح بین اعراب و با اسرائیل می‌تواند پیامدهایی را به همراه داشته باشد. استقلال و خودمختاری در حوزه‌های امنیتی، بهبود روابط منطقه‌ای، اثربخشی اقدامات امنیتی، تسهیل و کنترل تصمیمات و فعالیت‌های دو یا چندجانبه، ایجاد مانع در تصمیمات و اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای، افزایش تعارضات در خاورمیانه (غرب آسیا)، بهبود تعهدات منطقه‌ای، پیامدهای مثبت و منفی مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران ناشی از صلح اعراب با اسرائیل است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

در این پژوهش به طراحی الگوی عوامل مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران ناشی از صلح اعراب با اسرائیل با استفاده از روش کیفی تحلیل داده بنیاد پرداخته شد. عوامل مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، عوامل خاص مؤثر بر آن بسترهای عمومی ایجادکننده این تأثیرها، راهبردها در جهت این مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از صلح اعراب با اسرائیل که بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران حاصل می‌شود در تحقیقات انگشت‌شماری موردبررسی قرار گرفته است. این پژوهش با بررسی اکثر تحقیقات صورت گرفته در خصوص مقاصد اسرائیل از صلح با اعراب و با انجام مصاحبه با اعضای هیئت علمی در گروه‌های بین‌الملل و علوم سیاسی به طراحی الگوی موردنظر برای پدیده مورد مطالعه پرداخت.

معامله قرن، طرح دولت «دونالد ترامپ» برای حل مسئله فلسطین است که تحت این عنوان مطرح شده است. این طرح نسبت به طرح‌های دولت‌های گذشته آمریکا- که تحت عنوان «روند صلح خاورمیانه» معرفی شده بودند- تفاوت‌هایی بنیادین دارد. مهم‌ترین تفاوت آن



این است که ترامپ اساس طرح خود را بر اقتصاد گذاشته است. در حالی که طرح‌های دولت‌های گذشته آمریکا برای فلسطین همگی طرح‌هایی سیاسی بودند. از اهداف طرح معامله قرن، نزدیکی اعراب و اسرائیل و همسو شدن آن‌ها در تقابل با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران است. از آنجایی که یکی از بازیگران اصلی طرح معامله قرن، عربستان سعودی است. محمد بن سلمان ولیعهد سعودی شدیداً نسبت به برقراری سازش میان فلسطینیان و اسرائیل در و هله نخست و سپس میان کشورهای عربی و اسرائیل اهتمام می‌ورزد چراکه این امر گام نخست برای تشکیل ائتلاف میان عربستان و اسرائیل برای مقابله با تهدید «ایران» در منطقه به شمار می‌رود. به همین دلیل عربستان سعودی با کمک‌های اقتصادی از این طرح حمایت کرده و هزینه‌های آن را در کنار سایر کشورها مانند امارات و مصر به عهده گرفته است.

با توجه به این موضوع که صلح خاورمیانه در اواخر دولت ترامپ به جهانیان معرفی شد این موضوع به‌نوبه خود موضوع به‌روزی می‌باشد و از آنجایی که در مطالعات مختلف در این خصوص موضوعی مشاهده نشده لذا جنبه تفاوت و بدیع بودن آن به‌خودی‌خود مشخص می‌شود. نگاهی به پشت پرده و ماهیت واقعی مذاکرات صلح و توافقات دیپلماتیک اخیر نشان می‌دهد که نباید منتظر یک تحول گفتمانی فراگیر و یا تغییر سیستماتیک الگوی نظم و امنیت در منطقه غرب آسیا باشیم. در عوض باید گفت مع الوصف غرب آسیا با همه ارزش ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، بار دیگر به دستاویزی برای بهره‌برداری‌های سیاسی یک قدرت بزرگ تبدیل شده است؛ روندی که نه به حل ریشه‌ای منازعات تاریخی و صلح پایدار در منطقه، بلکه تنها به چند عکس یادگاری و شاید موفقیت نسبی یک سیاستمدار غربی ختم خواهد شد. آنچه می‌تواند صلح واقعی در این منطقه را رقم بزند، همکاری‌های منطقه‌ای، پرهیز از اتخاذ سیاست‌های حذفی و با حاصل جمع جبری صفر و یک توافق فراگیر برای تنش‌زدایی و پرهیز از رقابت‌های ناسالم است، رویکردی که علی‌رغم تأکیدات فراوان دستگاه دیپلماسی ایران، متأسفانه هنوز بسیاری از کشورهای منطقه بلوغ سیاسی کافی برای توجه و پرداختن به آن را ندارند.

۵-۲- نتیجه‌گیری

با توجه به الگوی ارائه‌شده و بر اساس نتایج تحقیق پنج قضیه مطرح شد. در ارتباط با عوامل علی، نتایج تحقیق نشان داد که نیازهای حکمرانی (افزایش وحدت ملی/ فراهم آوردن حمایت از اقوام کشور، اغنای اقوام و مذاهب در قبول حفظ یکپارچگی ملی، جلوگیری از لرزش گسل‌های اجتماعی/ حفاظت از مذهب رسمی)، نیازهای تقویت قدرت ملی (نزدیک



شدن اعراب به قدرت اول جهان، کسب قدرت، نیازهای امنیتی (کسب احساس امنیت در منطقه - مقابله با تهدیدات، حفاظت از تمامیت ارضی در مقابل تجزیه طلبی اقوام)، نیازهای اطلاعاتی (کسب اطلاعات راهبردی - دسترسی به اطلاعات، عقب نماندن از رقابت فناوری اطلاعات) و نیازهای اعتقادی (تأمین انرژی/کاهش سطح مناسبات اعتقادی اعراب و اسرائیل، کاهش بیکاری جوانان/امنیت غذایی) عوامل علی مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران ناشی از صلح اعراب با اسرائیل هستند. محمودی و همکاران (۱۳۹۳)، دولاح و اکبرپور (۱۳۹۵)، روحی مهر (۱۳۹۸) و محمدی (۱۳۹۹) در تحقیقات خود به زوایای مختلف روابط اعراب با اسرائیل و نقشی که می‌تواند بر غرب آسیا به جا بگذارد به‌عنوان نمونه دولاح و اکبرپور (۱۳۹۵) در پژوهش توصیفی - تحلیلی خود با عنوان طرح‌ها و قراردادهای صلح پیشنهادی ما بین اعراب و اسرائیل چه نقضی دارد؟ به این نتیجه رسیدند که تا زمانی که عزمی فراتر از منافع گروه‌ها و احزاب داخلی فلسطینی و اسرائیلی وجود نداشته باشد، رسیدن به هدف غایی که صلح پایدار است امری دست‌نیافتنی است و این چرخه ویرانگر جنگ و صلح ادامه خواهد یافت.

قضیه دوم به عوامل زمینه‌ای اشاره دارد، اینکه اسرائیل برای محقق شدن نقشه خود در صلح با اعراب چه راهبردهایی را به‌منظور تأثیرگذاری و بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند. عوامل زمینه‌ای در این پژوهش شامل ویژگی‌های منطقه غرب آسیا (جغرافیایی) (نیاز جهان به انرژی این منطقه، تأمین انرژی اسرائیل، محاصره زمین اسرائیل توسط جبهه مقاومت، جلوگیری از افزایش نفوذ ایران، جغرافیای قدرت ساز ایران)، ویژگی‌های مذهبی (جنگ تمدن‌ها/ تقابل ادیان ابراهیمی، تقابل اسلام و یهودیت، کاهش نگاه منفی مسلمین به صهیونیسم، در تقابل قرار دادن مذاهب شیعه و سنی، لزوم خروج دین از عرصه سیاست)، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی (تفاوت بین عرب و عجم، ایران هراسی، تغییر نگاه مردم منطقه به خطر امپراتوری ایران، تنوع اقوام ایرانی، تفاوت فرهنگی در نقاط مختلف کشور، جلوگیری از الگو شدن ایران برای ملل مسلمان) می‌باشد. محمودی و همکاران (۱۳۹۳)، دولاح و اکبرپور (۱۳۹۵)، روحی مهر (۱۳۹۸) و محمدی (۱۳۹۹) در تحقیقات خود به زوایای مختلف روابط اعراب با اسرائیل و نقشی که می‌تواند بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد، پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه موسوی فرد (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان اسرائیل چه تأثیری در روابط ایران و آمریکا دارد؟ به این نتیجه رسید که تداوم تیرگی و قطع بودن روابط رسمی ایران و آمریکا و تنش و تضاد از تأثیرات نقش اسرائیل در روابط ایران و آمریکا است



در قضیه سوم، شرایط مداخله‌گر مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفت. در کنار بسترهای خاصی که بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است، زمینه‌های عمومی ناشی از صلح اعراب و اسرائیل نیز امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شرایط مداخله‌گر مؤثر بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران که در این تحقیق شناسایی شد عبارت‌اند از: ارتباطات نامناسب رسمی همسایگی شامل: ارسال سلاح به مخالفان عراق و سوریه، تقویت بنیه مالی تروریست‌های منطقه‌ای توسط اعراب، حمله به یمن، اجازه ایجاد پایگاه نظامی و اطلاعاتی به اسرائیل و دفاع از طرح‌های تجزیه ایران؛ ویژگی‌های ساختاری حکومتی شامل: فقدان انتخابات آزاد در بستر کشورهای عربی، تسلط طوایف و عشیره‌های خاص بر کشورهای عربی، عدم مشارکت مردم در ساختارهای رسمی، حمایت غرب از این حکومت‌ها و بسته بودن ساختارهای حکومتی؛ تعاملات متقابل محدود شامل:

پایین بودن حجم مبادلات تجاری بین همسایگان در خاورمیانه، پایین بودن حجم توریسم در بین این کشورها و فقدان بازارهای اقتصادی مشترک و فقدان برنامه‌های راهبردی شامل: نبود پیمان‌های دوجانبه یا چندجانبه اقتصادی/امنیتی/فرهنگی، غفلت از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای، حرکت به سمت تمدن‌سازی، ارتقاء جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و تشکیل قطب ضد سلطه را در برمی‌گیرد

در قضیه چهارم، راهبردهایی که در راستای تأثیرگذاری بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران توسط اسرائیل به کار گرفته می‌شوند، ارائه شد. راهبردهای شناسایی شده در این پژوهش عبارت‌اند از: اقدام‌های ملی (سرمایه‌گذاری در توسعه و حفظ روابط با همسایگان، توسعه و حفظ روابط همسایگی/ ایجاد و نگهداری مجموعه‌ای از روابط غیررسمی، افزایش اعتماد با ایجاد و حفظ روابط هم‌جواری، تعامل نزدیک با کشورهای عربی که به سمت ایجاد رابطه با اسرائیل رفته‌اند و روابط با قدرت‌های شرق جهت فشار بر کشورهای عربی جهت انجام تعامل با ایران در تقابل با اسرائیل)، اقدام‌های منطقه‌ای (ایجاد یکپارچگی در هنجارهای منطقه‌ای، تلاش برای تعریف منافع مشترک در هماهنگی با منافع ملی کشورهای عربی، حرکت به سمت تنظیم قراردادهای و پیمان‌های منطقه‌ای، اشتراک منابع اطلاعاتی و امنیتی در بین همسایگان منطقه‌ای، انجام دیدارها دوجانبه و چندجانبه در بین سران منطقه‌ای) و اقدام‌های بین‌المللی (اقدام به اتخاذ مواضع مشترک در عرصه‌های بین‌المللی، تنظیم تفاهم‌نامه‌های مشترک بین‌المللی، استفاده از ظرفیت ملل مسلمان جنوب



شرق آسیا، بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی اسلامی و موضع‌گیری‌های مشترک در قبال مسئله فلسطین در عرصه‌های جهانی)

سرانجام صلح اعراب با اسرائیل پیامدهایی را برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و امنیت میهن عزیزمان به همراه دارد که این مورد در قضیه پنجم ارائه شده است. این پیامدها می‌تواند مثبت یا منفی باشد. استقلال و خودمختاری در حوزه‌های امنیتی (اجازه دادن به مردم منطقه جهت مشارکت در تأمین امنیت، امکان انعکاس دیدگاه‌ها و نکته نظرات کارشناسی خبره، استقلال در امنیت ملی و منطقه‌های، پایان دادن به سیطره امنیتی آمریکا در خاورمیانه و خروج از معاهدات امنیتی با اسرائیل)، بهبود روابط منطقه‌ای (کمک به رشد و تکامل ساختار روابط رسمی، پرورش نیروهای ارشد سازنده در روابط بین‌المللی، کاهش روابط خشک منطقه‌های/ بازنمودن راه‌های ارتباطی درست و مؤثر)، اثربخشی اقدامات امنیتی (افزایش موفقیت در انجام اقدامات امنیتی، افزایش رفتارهای فرانقشی کشورهای عربی

تحریک و تهییج ملل عربی جهت مقابله با اسرائیل، امکان جامعه‌پذیری اسلامی بیشتر در ملل عربی، شبکه‌سازی برای مؤثر سازی تصمیمات چندجانبه)، تسهیل و کنترل تصمیمات و فعالیت‌های دو یا چندجانبه (کمک‌کننده بودن رفتار شبکه‌سازی برای دولت‌های عربی و منطقه‌ای، جبران کمبود توانایی‌های امنیتی، ارزشیابی مستمر از سیستم‌های امنیتی و پی بردن به کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جلوگیری از تصمیمات غیرمنطقی و یک‌طرفه، جلوگیری از اقدامات خودسرانه و بخشی، مصون داشتن حکمرانان عربی از بسیاری از اشتباهات و پیامدهای غیر مطلوب، کاهش بار منفی تصمیمات و اقدامات امنیتی در انجام معاهدات دو یا چندجانبه) و بهبود تعهدات منطقه‌ای (کمک به درک و فهم فرهنگی و بین فرهنگی ملل مسلمان منطقه، ایجاد تعهدات امنیتی دو یا چندجانبه، ایجاد یکپارچگی و هم‌نوایی امنیتی در قبال اسرائیل، افزایش اطمینان و دلگرمی ملل مسلمان منطقه، حفظ ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در رعایت هنجارهای منطقه‌ای، ایجاد احساس هویت دینی در ملل مسلمان، افزایش دوام و کارایی امنیتی مردم پایه به‌وسیله بهبود رضایت ملل مسلمان) به‌عنوان پیامدهای مثبت شناسایی شدند و پیامدهای منفی نیز عبارت‌اند از: ایجاد مانع در تصمیمات و اقدامات بین‌المللی و منطقه‌ای (مقابله با مدیریت، تصمیمات، برنامه‌ها و تغییرات امنیتی، تحت‌الشعاع قرار دادن وظایف سازمان‌های امنیتی به‌وسیله ایجاد فشار فرار منطقه‌ای، بازداشتن سازمان‌های امنیتی از مسیر اصلی و اهداف خود، دخالت بی‌جا در تصمیمات و اختلال در اقدامات امنیتی و اقدام به شایعه‌پراکنی، پخش اطلاعات نادرست و بزرگ‌نمایی



مسائل) و افزایش تعارضات در خاورمیانه (غرب آسیا) (تغییر در نقش‌های امنیتی سازمان‌های کشورهای عربی، ایجاد تعارضات دو یا چندجانبه، تعارض در نقش‌های سازمان‌های امنیتی و ایجاد جو اعراب و تهدید از طرف دستگاه امنیتی اسرائیل)

نتیجه بررسی در ادبیات موضوع نشان می‌دهد که عربستان سعودی و امارات و دیگر رژیم‌های عربی در سال‌های اخیر به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند، با ارتباطات گسترده‌ای که با اسرائیل داشتند، هزینه‌هایی را برای مقابله بانفوذ ایران در منطقه پرداخت می‌کردند و از سال ۲۰۱۱ که بحران‌های عربی و یا بیداری اسلامی شروع شد تاکنون عربستان سعودی، امارات و قطر در عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه دولت سوریه و حزب‌الله نقش مهمی ایفا کردند. ولی چهار چالش اصلی که مانع گسترش توافقات عادی‌سازی اعراب و اسرائیل عبارت‌اند از:

-اولین چالش مربوط به سیاست ایالات متحده بعد از تغییر دولت در این کشور است؛ چراکه «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیروی محرکه توافقات عادی‌سازی میان اسرائیل و کشورهای عربی به شمار می‌آمد. به طوری که نخستین اولویت چهار کشور عربی یعنی امارات و بحرین و مغرب و سودان که در دوره اخیر اقدام به عادی‌سازی روابط با اسرائیل کرده‌اند جلب رضایت آمریکا و کسب یک سری امتیازات از دولت ترامپ بود. درست است که دولت جو بایدن در پرونده عادی‌سازی اسرائیل با کشورهای عربی تغییری در موضع آمریکا ایجاد نکرده اما تاکنون نیز اقدامی از جانب وی در خصوص تحریک کشورهای عربی و یا دادن امتیازاتی به آن‌ها جهت ادامه روند امضای توافقات عادی‌سازی با اسرائیل مشاهده نشده است.

-دومین چالش مربوط به مسئله فلسطین است. عادی‌سازی میان کشورهای عربی با اسرائیل موجب آسیب زدن به همه گروه‌های فلسطینی شده و فلسطینی‌ها قبل از حل درگیری با اسرائیل هیچ‌گونه آمادگی برای سازش با آن ندارند؛ همان‌طور که تشکیلات خودگردان فلسطین از حضور در ائتلاف‌های منطقه‌ای در زمینه اقتصاد و انرژی که متمرکز بر عادی‌سازی است خودداری می‌کند.

-یکی از برجسته‌ترین چالش‌ها در مسیر توافقات عادی‌سازی کشورهای عربی با اسرائیل موضع افکار عمومی اعراب است و همانند اتفاقی که در توافق صلح اسرائیل با مصر و اردن رخ داد ملت‌های عربی موضع محافظه‌کارانه علیه اسرائیل دارند و دشمن آن هستند.



-چالش چهارم به مسئله ایران مربوط می‌شود که کاملاً ضد توافق کشورهای عربی با اسرائیل است.

۵-۳- پیشنهادها

اسرائیل نباید بلافاصله تقابل با دولت جدید آمریکا را آغاز کند و بهتر است با تقویت هماهنگی با کشورهای عرب، مواضع خود در مورد ایران را به صورت یک جبهه مشترک اسرائیلی-عربی، به دولت جو بایدن ارائه کند. نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از تلاش‌های بین‌المللی جهت بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای با تهران و ابراز تمایل دولت جدید آمریکا برای بازگشت به آن، به هنگام اجرای فرآیند انتقال قدرت در آمریکا طی اقدامی برای خنثی کردن سیاست‌های دولت بایدن، ساخت واحدهای مسکونی در کرانه غربی را تصویب کرد. اختلاف بین بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و رژیم صهیونیستی که به رغم ادعاهای نتانیاهو مبنی بر دوستی دیرینه با بایدن در گذشته نیز وجود داشته است به این سادگی‌ها از بین نخواهد رفت و دولت بایدن سعی خواهد کرد با دوری از رژیم صهیونیستی حداقل تا چند ماه آینده، برای عملی کردن برنامه‌های خود در خصوص برجام، بازگرداندن اعتبار ازدست‌رفته دولت آمریکا در بین شرکای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی و برطرف کردن مشکلات داخلی برنامه‌ریزی کند.

موانع زیادی مقابل ادامه روند توافق‌های عادی‌سازی وجود دارد که از جمله آن‌ها سیاست دولت بایدن در قبال منطقه هست که برای کاهش حضور نیروهای آمریکایی در خاورمیانه تلاش و هرگونه اقدام نظامی علیه تهران را رد می‌کند. همچنین بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران این کشور را قادر می‌سازد تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد و همین موضوع سبب می‌گردد تا کشورهای عربی از رویارویی مستقیم با ایران خودداری کنند و تا حد امکان روابط خود را با اسرائیل کاهش دهند. همچنین در صورتی که وقوع درگیری نظامی گسترده میان اسرائیل با فلسطینی‌ها یا لبنان برخی کشورهای عربی پیوستن به توافق‌های عادی‌سازی را دشوار خواهند دید.

فرآیند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسرائیل که هر روز نیز طرفداران بیشتری یافته و دولت‌های عربی در صف آرزومندان برقراری روابط با اسرائیل قرار دارند، می‌تواند آسیبی جدی به منافع ایران در منطقه وارد کند. موج عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل که مورد حمایت و پذیرش سران دولت‌های عربی بوده و از سوی شهروندان عربی نیز با مخالفتی مواجه نشده است، بعد از امارات متحده عربی و بحرین در ادامه مسیر دولت‌های عمان، قطر،



عربستان سعودی، سودان و حتی کویت را نیز شامل شده و سرانجام به عراق خواهد رسید. هرچند سران گروه‌ها و احزاب شیعی عراق هرگونه برقراری روابط عراق و اسرائیل را نفی کرده‌اند.

تلاش گسترده و فهرست بلندی از سران و سیاست‌گذاران عربی که مشتاق عادی‌سازی روابط با اسرائیل به صورت آشکار هستند، نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران ایرانی نیز باید با حذف آرمان‌گرایی از سیاست‌گذاری خارجی، اصل واقع‌گرایی در سیاست خارجی را در دستور کار مواجهه با موج عادی‌سازی روابط دولت‌های اسلامی و اسرائیل قرار دهند. وضعیت کنونی جهان اسلام و عادی‌سازی روابط دولت‌های عربی با اسرائیل، فرآیندی اجتناب‌ناپذیر برای سیاست‌گذاران و رهبران کشورهای اسلامی فراهم ساخته که درنهایت اغلب این کشورها را ناچار به پذیرش عادی‌سازی روابط با اسرائیل خواهد نمود. نابسامانی اقتصاد جهانی، واگیری و ادامه تسلط کروناویروس بر زندگی بشر، فرسایشی شدن منازعه فلسطین و اسرائیل، ناتوانی و ناکارآمدی بسیاری سیاست‌گذاران و رهبران کشورهای اسلامی و عربی که همگی سبب افزایش ناراضی و ناخشنودی شدید شهروندان کشورهای اسلامی شده است، حاکمان و سیاست‌گذاران این کشورها را به سوی کاهش تنش‌ها و هزینه‌های سیاست خارجی خود متمایل ساخته و در کوتاه‌مدت به عادی‌سازی روابط با اسرائیل رهنمون می‌کند. سیاست‌گذاران ایران به جای واکنش و مقابله منفعلانه با فرآیند صلح اعراب و اسرائیل باید به فکر طراحی و اجرای یک کنش هوشمندانه برای کنترل پیامدهای عادی‌سازی روابط حتی از طریق مشارکت زیرکانه در این فرآیند باشند و در دام برخی پرستیژهای نمایشی تند سیاست‌گذارانی مانند سران ترکیه، کویت یا پاکستان علیه عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل گرفتار نشوند.



۶- منابع**۶-۱- منابع فارسی****مقاله‌ها**

۱. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). «رنالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، فصلنامه راهبردی ۱۹.
۲. خادم شیرازی، فاطمه (۱۳۹۸). گام‌های اجرایی و چشم‌انداز تحقق طرح صلح معامله قرن، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۳. دانایی‌فرد، حسن و امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم: ۶۹-۹۷.
۴. دهقانی، خسرو و دیگران (۱۳۹۸). «تحلیل تأثیر سیاست‌های دونالد ترامپ بر قدرت نرم آمریکا». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. تابستان.
۵. شیرخانی، محمدعلی و حامد مهاجر (۱۳۹۱). «واقع‌گرایی و نقش منافع انرژی در سیاست خارجی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۳، ص ۱-۴۱.
۶. قربانی، وحید (۱۳۹۸). ارزیابی اهداف، زوایا و آثار و پیامدهای راهبردی طرح معامله قرن ترامپ برای حل‌وفصل دائمی مسئله فلسطین، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۷. مرادیان، محسن (۱۳۸۹): مبانی نظری امنیت؛ انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی
۸. نوری، مجید (۱۴۰۰). روابط آمریکا و اسرائیل در دوره بایدن. مجله ایرانی روابط بین‌الملل.

کتاب‌ها

۱. استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۹۹۰)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.
۲. طلوعی، محمود؛ (۱۳۸۵). فرهنگ جامع سیاسی، تهران، نشر علم.
۳. علی بابایی، غلامرضا؛ (۱۳۷۷). فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات امور خارجه.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، جزوه درسی دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران، نشر سمت



۶. قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۳). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ دهم. تهران، نشر سمت.

۷. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۲). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

منابع اینترنتی

۱. ابراهیم، وفیق، (۱۳۹۸). اهداف پنهان و آشکار عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، خبرگزاری تسنیم.
۲. احمدی، محب، (۱۳۹۷). جنجال در تونس برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل، پارس تودی.
۳. احمدی، وحیده (۱۴۰۱ ج)، «راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران در بستر رویدادها و تحولات اخیر»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۲۴، صص ۹۳-۱۰۶.
۴. برزگر، کیهان، (۱۳۹۱). «تحولات عربی و سیاست منطقه‌ای ایران». تابناک، در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۷، به آدرس اینترنتی: <http://www.tabnak.ir/fa/news/292127/>
۵. سنایی، اردشیر (۱۳۹۹). خاورمیانه و سیاست خارجی بایدن، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
۶. صادقی، محمدمهدی (۱۴۰۱). بایدن به دنبال چه اهدافی در سفر منطقه بود؟ خبرگزاری دانشجو.
۷. عمادی، سیدرضی، (۱۳۹۷). اسرائیل و الگوی رفتاری هسته‌ای آن، خطرناک‌ترین تهدید خاورمیانه، پارس تودی.
۸. عمادی، سیدرضی، (۱۳۹۸). روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی در سال ۲۰۱۹، پارس تودی.

۶-۲- منابع لاتین

Articles

1. Ambassador Hesham Youssef, (2021), 10 Things to Know: Biden's Approach to the Israeli-Palestinian Conflict, The United States Institute of Peace.
2. Asseburg, Muriel, (2019). The "Deal of the Century" for Israel-Palestine, German Institute for International and Security Affairs.
3. Barghouti, Anees Suheil, (2018). Gulf states rush to normalize Israel ties: Analysts, Senior Israeli officials, including premier Netanyahu, visited several Gulf states in recent weeks.
4. Ben-Meir, Alon (2021), Biden May Succeed Where His Predecessors Failed, Independent Strategic Analysis of Australia's Global Interests.
5. Creswell, J.W. (2012). Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. 4th Edition. Boston: Pearson Publication.



6. Eisenhardt, K. M. (1989). Building theories from case study research. *Academy of management review*, 14(4), 532-550.
7. Deudney, daniel and john ikenberry(2018), liberal word and the resilient order, *foreign affairs*, july-august, vol.97,no.4.
8. press tv, (2019). Saudi Arabia, UAE, Egypt oppose bids against normalization of ties with Israel: Report.

Books

Websites

1. Barakat , Mahmoud , (2020). Arab world reacts to US Mideast peace plan, <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/arab-world-reacts-to-us-mideast-peace-plan/1718155>.
2. Barakat, Sultan, (2018). Normalising relations with Israel will not benefit Gulf states, <https://www.aljazeera.com/indepth/>.
3. EPC, 2020, Dimensions and Significance of the Formation of a New Security and Strategic Environment After the UAE-Israeli Peace Treaty, <https://epc.ae/brief/dimensions-and-significance-of-the-formation-of-a-new-security-and-strategic-environment-after-the-uae-israeli-peace-treaty>.
4. Jared Kushner, “A Pivotal Moment in the Middle East, CNN, 29/01/2020 (accessed on 3/2/2020 at: <https://cnn.it/2OkP288>).
5. Malik Sammara, “Demographic Transfer” and a New “Jerusalem” between Abu Dis and Shuafat,” *Alaraby Aljadeed*, 29/01/2020 (accessed on 03/02/2020 at <https://bit.ly/2uXOyhw>).
6. Staff, aw, (2010). Europe divided on Trump’s Deal of the Century, <https://thearabweekly.com/europe-divided-trumps-deal-century>.
7. Stephen Farrell, “What’s in Trump’s Middle East peace plan”, *Reuters*, 28/01/2020 (accessed on 03/02/2020 at <https://reut.rs/2OoM96k>).
8. Yellinek,Roie (2019). The Gulf states, the “deal of the century, and the Iranian threat, <https://mei.edu/publications/gulf-states-deal-century-and-iranian-threat>.

پرتال جامع علوم انسانی

